



# بررسی جامعه از حیث وضعیت تأهل و مجرد و الگوهای همسرگزینی در ایران





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۵/۳۰

شماره مسلسل: ۱۹۹۸۲

کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی

**عنوان گزارش:**

بررسی جامعه از حیث وضعیت تأهل و مجرد  
و الگوهای همسرگزینی در ایران

نوع گزارش: طرح و لایحه □، نظارتی □، راهبردی ■

**نام دفتر:**

مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه زنان و خانواده)

**تهیه و تدوین:**

ریحانه رحمانی پور

**همکار:**

بهزاد خلیلی

**ناظران علمی خارج از مرکز:**

نیما بردیافر (مشاور مدیر کل دفتر برنامه ریزی و توسعه اجتماعی وزارت ورزش و جوانان)،  
راحله کاردوانی (مدیر گروه اندیشکده خانواده پژوهشکده مهرستان)

**ناظر علمی:**

موسی بیات

**گرافیک و صفحه آرایی:**

سیده فاطمه ابوطالبی

**ویراستار ادبی:**

زهره عطاردی

**تاریخ شروع مطالعه:**

۱۴۰۲/۹/۱

**واژه‌های کلیدی:**

۱. سن ازدواج
۲. ملاک‌های ازدواج
۳. الگوی همسرگزینی
۴. ازدواج درون قومی
۵. بازازدواج
۶. مجرد
۷. تقاطع سنی زوجین



## فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۹
۲. وضعیت رفتاری مردم در حوزه ازدواج.....	۱۰
۳. نگرش مردم در مورد ارزش‌های ازدواج.....	۲۶
۳-۱. نگرش مردم در مورد ضرورت ازدواج.....	۲۶
۳-۲. نگرش مردم در مورد سن مناسب ازدواج.....	۲۶
۳-۳. نگرش مردم نسبت به ملاک‌های همسر مناسب (ویژگی‌های دختر و پسر خوب).....	۲۹
۳-۴. جایگاه خانواده در موضوع ازدواج.....	۳۱
۴. نتیجه‌گیری و راهبردهای پیشنهادی.....	۳۳
منابع و مأخذ.....	۳۶

## فهرست جداول

جدول ۱. میزان ازدواج‌های انجام شده و تغییرات آن.....	۱۰
جدول ۲. میزان ناخالص ازدواج از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲.....	۱۱
جدول ۳. تغییرات میانگین سن ازدواج دختران و پسران در اولین ازدواج.....	۱۲
جدول ۴. اولویت الگوهای سنی ازدواج زوجین.....	۱۵
جدول ۵. تغییرات اختلاف سنی زوجین از سال ۱۴۰۱-۱۳۹۰.....	۱۶
جدول ۶. نسبت جوانی جمعیت کل کشور (شاخص ورت‌هایم) به تفکیک نقاط شهری و روستایی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵.....	۱۸
جدول ۷. نسبت جمعیت جوان به جمعیت کل کشور.....	۱۹
جدول ۸. نسبت افراد ازدواج کرده به جمعیت جوان و جمعیت کل کشور.....	۱۹
جدول ۹. وضعیت افراد هرگز ازدواج نکرده نسبت به جمعیت جوان و جمعیت کل کشور.....	۲۰
جدول ۱۰. تغییرات نرخ زنان و مردان مجرد در سن ازدواج.....	۲۲
جدول ۱۱. نرخ افراد بدون همسر و نسبت آن با افراد هرگز ازدواج نکرده.....	۲۳
جدول ۱۲. نرخ مجرد قطعی در کشور.....	۲۴
جدول ۱۳. وضعیت کلی افراد بدون همسر کشور از سال ۱۴۰۱-۱۳۸۵.....	۲۵
جدول ۱۴. نگرش نسبت به سن مناسب ازدواج برای پسران.....	۲۷
جدول ۱۵. نگرش نسبت به سن مناسب ازدواج برای دختران.....	۲۸
جدول ۱۶. تغییرات ملاک‌های انتخاب همسر.....	۳۱



## بررسی جامعه‌ از حیث وضعیت تأهل و مجرد والگوه‌های همسرگزینی در ایران

### چکیده



از دواج یکی از مهم‌ترین رخداد‌های حیاتی جامعه است که نه تنها منجر به تشکیل خانواده می‌شود، بلکه مطلوبیت شاخص‌های آن، بر مطلوبیت دیگر رخداد‌های حیاتی جامعه از جمله فرزندآوری نیز اثرگذار است. از این رو، گزارش پیش‌رو، توجه به تحولات رخداد از دواج، توصیف وضعیت آن و متغیرهای درونی اثرگذار بر الگوهای همسرگزینی را در راستای تدوین راهبرد افزایش نرخ از دواج، کاهش سن از دواج و کاهش نرخ مجرد در جامعه را در دستور دارد. بررسی‌های صورت گرفته در گزارش پیش‌رو نشان‌دهنده کاهش درصد افراد از دواج کرده نسبت به افراد هرگز از دواج نکرده در سن از دواج و افزایش سن از دواج و نزدیک شدن به سن ۳۰ سال به‌عنوان سن تغییر الگوهای همسرگزینی و تغییر نگرش نسبت به شاخص‌های از دواج خانواده می‌باشد. بر این اساس، سن از دواج به‌عنوان یک متغیر کلیدی بر دیگر شاخص‌های مرتبط با از دواج اثرگذار است. به‌گونه‌ای که افزایش سن از دواج منجر به کاهش ضرورت از دواج، کاهش مداخله خانواده در فرایند انتخاب همسر و از دواج فرزندان، تغییر الگوی تقاطع سنی زوجین خواهد شد.

به‌عبارت دقیق‌تر می‌توان گفت که تحولات جمعیتی، خود عامل بسیار مهم در تغییرات رفتار جامعه در موضوع از دواج و حتی بزرگ‌تر از آن کنش‌های اجتماعی و فرهنگی است. لذا انتخاب راهبردی در راستای کاهش سن از دواج و افزایش نرخ از دواج، فرهنگ‌سازی در راستای مهارت انتخاب همسر براساس ملاک‌های خانواده پایدار و فرهنگ‌سازی در راستای ضرورت از دواج و حمایت از بازاز دواج در اولویت قرار دارد که می‌تواند از طریق اصلاح **قانون تسهیل از دواج جوانان** با محورهای؛ ارائه انواع حمایت‌های مالی و غیرمالی به‌صورت پلکانی و منطبق بر تحولات جمعیتی و در راستای کاهش سن از دواج، اصلاح الگوی همسرگزینی با استفاده از ظرفیت مراکز همسرگزینی و واسطه‌گری، سیاستگذاری جامع با هدف کاهش مهاجرت‌های داخلی و مهاجرت معکوس با اولویت تحصیل و اشتغال دنبال شود.

### شرح / بیان مسئله

خانواده به عنوان پایه‌ای ترین نهاد جامعه، اهمیت ویژه‌ای در مباحث اجتماعی و فردی دارد. به عبارتی، کارکردهای خانواده دارای نقش مهمی در پیشبرد شاخص‌های اجتماعی است. لذا موضوعات مختلف از قبیل ازدواج، جمعیت و ... که نمایانگر وضعیت خانواده در جامعه می‌باشند؛ دارای اهمیت هستند. از این رو، تبیین وضعیت جامعه از حیث شاخص‌های مرتبط با وضعیت تأهل و مجرد افراد و تبیین تحولات این حوزه می‌تواند وضعیت کیفیت تشکیل و تداوم خانواده را توضیح دهد. از سوی دیگر، موضوع ازدواج ذیل **قانون «تسهیل ازدواج جوانان»** مورد توجه قرار گرفته است که با گذشت حدود ۱۸ سال از تصویب قانون هنوز به مرحله اجرا در نیامده و با توجه به تحولات حوزه خانواده به اصلاحات رویکردی و همچنین رفع موانع اجرایی سازی نیاز دارد. بنابراین، اولین گام در راستای تدوین پیش‌نویس اصلاح قانون مذکور تبیین وضعیت رفتاری و نگرشی موجود جامعه در این حوزه است.

### نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

به لحاظ رفتاری تغییرات نرخ ازدواج، نرخ تجرد، سن ازدواج، الگوهای همسرگزینی از قبیل تغییرات الگوی باز ازدواج و پراکنش جغرافیایی ازدواج و به لحاظ نگرشی نیز تغییرات نگرش به ضرورت ازدواج، سن ازدواج، ملاک‌های انتخاب همسر مناسب و نگرش نسبت به جایگاه خانواده در امر ازدواج جوانان مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا، نتایج برخی از بررسی‌ها در این خصوص به شرح زیر آمده است:

- **کلیدی بودن متغیر سن ازدواج در تغییر الگوی همسرگزینی در جامعه:** افزایش میانگین سن ازدواج یکی از تغییرات مهم در تحولات خانواده می‌باشد که بر متغیرهای دیگر از جمله ملاک‌های انتخاب همسر، مشارکت خانواده در ازدواج جوانان، نگرش مثبت به ضرورت ازدواج اثر گذار است. علاوه بر این، افزایش سن ازدواج بر دیگر رخدادهای جمعیتی از قبیل فرزندآوری و نرخ باروری اثر منفی داشته و به‌طور کلی با توجه به کاهش عمر خانواده تحقق کارکردهای آن با چالش روبه‌رو می‌شود. از سوی دیگر، سن بحرانی بروز تغییرات قابل توجه در الگوی همسرگزینی ۳۰ سالگی بوده که در برخی از استان‌های کشور سن ازدواج از این سن عبور کرده و در کل کشور با ثبت میانگین سن ۲۸/۳ سال برای پسران در سال ۱۴۰۲ به این سن نزدیک شده است. لذا اهمیت این شاخص از حیث تغییر سبک ازدواج و تشکیل خانواده دارای اهمیت بسزایی می‌باشد.

- **ضرورت افزایش نرخ ازدواج در راستای کاهش نرخ تجرد در جامعه:** بررسی فراوانی ازدواج، نشان از کاهش حدود ۴۵ درصدی نرخ ازدواج از ابتدای دهه ۹۰ تا سال ۱۴۰۲ دارد. از سوی دیگر، افراد ازدواج کرده به نسبت جمعیت کل نیز با کاهش روبه‌رو بوده که البته تعداد افراد ازدواج کرده نسبت به جمعیت جوان بارشده روبه‌رو بوده است. اما در حالت کلی با توجه به جمعیت بالای کشور و رخدادهای جمعیتی دیگر از قبیل طلاق و فوت، ثابت نگه داشتن نرخ افراد مجرد در جامعه نیاز به رشد مثبت و افزایشی نرخ ازدواج در جامعه دارد.

- **ضرورت کاهش نرخ تجرد در جامعه به تفکیک گروه‌های مختلف با زیست تجردی:** نقطه مقابل تشکیل خانواده، زیست مجردی است که شامل ۴ گروه افراد هرگز ازدواج نکرده در سن ازدواج، افراد مجرد قطعی و افراد بدون همسر در اثر طلاق و فوت همسر می‌باشد. بررسی این ۴ گروه نشان از رشد افراد بدون همسر در جامعه است (با توجه به دو منبع متفاوت، درصد رشد این گروه از افراد بین ۱۴ تا ۲۴ درصد می‌باشد) و هر کدام از این گروه‌ها با توجه به شرایطی که دارند در معرض آسیب‌های متفاوتی قرار دارند. نکته دیگر اینکه تعداد افراد ازدواج کرده نیز در سال ۱۴۰۲ به پایین‌ترین حد خود رسیده است. لذا ضروری است در هر کدام از گروه‌های مذکور با توجه به شرایط آنها، سازوکارهایی در راستای کاهش زیست مجردی افراد در نظر گرفته شود.

- **فرهنگ سازی در راستای مهارت انتخاب همسر بر اساس ملاک‌های خانواده پایدار:** با توجه به تغییر سبک زندگی، مسائل مادی در جایگاه‌های بالاتری از اهمیت قرار گرفته‌اند و این امر در ملاک‌های دختران در قالب اولویت اشتغال و مسائل مالی خود را نشان داده و در مورد پسران با اولویت یافتن جذابیت‌های ظاهری نمود پیدا کرده است. علاوه بر این، اولویت ایمان به سمت اخلاقیات تغییر کرده و دین‌داری در رده‌های پایین‌تری از اولویت قرار گرفته که البته در بررسی ملاک‌های ازدواج، افرادی که برای بار دوم ازدواج می‌کنند؛ مذهبی بودن و



دین جایگاه بالاتری پیدا کرده است. به نظر می‌آید افراد در ازدواج اول احساسی‌تر عمل می‌کنند و همین موضوع منجر به تصمیم براساس ملاک‌هایی می‌گردد که ثبات و استحکام خانواده را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. لذا مهارت‌های انتخاب درست از ضروریات ازدواج جوانان است که با توجه به کاهش نقش خانواده در انتخاب همسر باید مورد توجه نهادهای آموزشی و فرهنگی قرار گیرد.

**فرهنگ‌سازی در راستای ضرورت ازدواج:** نکته دیگر، نگرش جامعه در مورد ضرورت ازدواج و سن مناسب ازدواج بوده؛ که علاوه بر تغییرات نگرشی مردم در این دو شاخص، موضوع مهم ارتباط آن با میانگین سن ازدواج است. به گونه‌ای که نگرش مثبت جامعه نسبت به ازدواج در سنین بالاتر افزایش پیدا کرده و از سوی دیگر هر چه سن افزایش پیدا می‌کند، نگرش افراد به ضرورت ازدواج کاهش می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت، افزایش سن ازدواج نه تنها کارکردهای خانواده سالم را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ بلکه اصل تشکیل خانواده را به چالش می‌کشد. لذا عبور از دوران گذار فعلی که همچنان ضرورت ازدواج از سوی مردم بالا اعلام شده و رفع موانع اقتصادی-اجتماعی منجر به رشد نرخ ازدواج می‌گردد، نیازمند کنترل پارامتر محوری سن ازدواج و ارائه راهبرد در راستای کاهش آن است.

**حمایت از باز ازدواج افراد در راستای افزایش تشکیل خانواده و کاهش نرخ تجرد:** با توجه به نرخ صعودی افراد بدون همسر در اثر طلاق در جامعه و افراد بدون همسر در اثر فوت، انتخاب راهبردی در راستای کاهش پیامدهای منفی طلاق و تشکیل مجدد خانواده و تحقق کارکردهای آن ضروری است. از سوی دیگر، بررسی نرخ ازدواج‌های بار دوم زنان نیز نشان از تغییر فرهنگ جامعه در این حوزه و کاهش قبج باز ازدواج زنان دارد. لذا حمایت از باز ازدواج که در سیاست‌های کلی خانواده نیز مورد تأکید قرار گرفته، در راستای افزایش نرخ خانواده کامل در جامعه ضروری است. البته باید به این نکته توجه داشت که میزان باز ازدواج‌ها در چه نسبتی با نرخ ازدواج اولی‌ها می‌تواند مورد پذیرش باشد و تعادل مطلوب جامعه را تغییر ندهد. به عبارتی رشد باز ازدواج تا چه میزان قابل قبول است و جامعه را درگیر چالش‌های خانواده‌های بازساخته نمی‌کند.

**ضرورت ساماندهی مهاجرت داخلی:** در راستای کاهش پدیده گمنامی در شهرها و افزایش هم‌قوم‌گزینی در راستای کاهش سن ازدواج و افزایش پایداری خانواده، شناخت عوامل اصلی گسترش مهاجرت‌های داخلی از جمله دسترسی به شغل و تحصیل و ارائه راهبردهای اجرایی جهت کنترل آن و گسترش مهاجرت معکوس ضروری می‌نماید.

**حفظ نسبت جنسی جامعه در راستای جلوگیری از آسیب‌های خانواده:** بررسی‌ها نشان می‌دهند در دوره‌های مختلف، مزیقه ازدواج برای دختران و پسران دچار تحول شده و نمی‌توان براساس یک داده کلی، وضعیت مزیقه ازدواج تعداد دختران و پسران هرگز ازدواج نکرده را بیان کرد. به عبارتی، هر دوره سنی و متولدین دهه‌های مختلف وضعیت متفاوتی در مقوله مزیقه ازدواج داشته‌اند. به گونه‌ای که برای دختران متولد دهه ۶۰ مزیقه ازدواج مطرح است و به‌ازای تعداد مشخصی از دختران، تعداد پسران کمتری برای ازدواج در این بازه سنی وجود داشته، اما در دهه‌های بعدی این مزیقه تغییر کرده است؛ به گونه‌ای که برای تعداد مشخصی از پسران، دختران بیشتری برای ازدواج در این بازه سنی وجود دارد. از این رو، هر کدام از وضعیت‌های مذکور آسیب‌هایی را به همراه خواهد داشت که تهدیدکننده پایداری و سلامت خانواده است. لذا یکی از اهداف راهبردهای حمایت از خانواده باید حفظ تعادل نسبت جنسی جامعه با تمرکز بر الگوی تقاطع سنی هم‌سال (به معنای اختلاف سنی کم) باشد. البته باید به این نکته توجه داشت که در گروه‌های سنی و مناطق جغرافیایی که این تعادل نامتوازن شده، ضرورت سیاست‌های اجرایی متمایز از هم‌سال‌گزینی نیز قابل بررسی است.

## ■ پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

تدوین پیش‌نویس اصلاح **قانون تسهیل ازدواج جوانان** با توجه به محورهای ذیل قابل بررسی است:

– ارائه الگوی ترکیبی حمایت از ازدواج جوانان در سن به‌هنگام؛ ارائه انواع حمایت‌های مالی و غیرمالی با توجه به وضعیت‌های مختلف افراد به لحاظ سن ازدواج، منطقه جغرافیایی، بُعد خانوار، دهک درآمدی و ... با لحاظ ضریب تأثیر هر کدام از متغیرهای کلیدی در تغییر الگوهای همسرگزینی به صورت پلکانی و در راستای کاهش سن ازدواج،

- حمایت از باز ازدواج افراد،

- ضرورت مهارت‌افزایی جوانان با هدف انتخاب همسر مناسب،

- اصلاح الگوی همسرگزینی با استفاده از ظرفیت مراکز همسرگزینی و واسطه‌گری و براساس تحولات رفتاری جامعه در رخدادهای ازدواج،

- اصلاح شاخص‌های مثبت و رصد رخدادهای جمعیتی،

- اصلاح شاخص‌های رصد وضعیت خانواده با هدف پیش‌مستمر خانواده براساس شاخص‌های شفاف، دارای پوشانندگی جامعه هدف و ذوابعاد،

- در اولویت قرار دادن سیاست‌های کاهش مهاجرت داخلی و مهاجرت معکوس.

## ۱. مقدمه

ازدواج اصلی‌ترین، اصیل‌ترین و مستحکم‌ترین سازوکار تشکیل خانواده در جوامع است و به دلیل تأثیر مستقیم خانواده بر استحکام جامعه و جایگاه فرهنگ‌سازی آن، سازوکار شکل‌گیری و تداوم خانواده از اهمیت بالایی برخوردار است. به عبارتی «نحوه ازدواج و به‌نوعی شکل ازدواج، نرخ ازدواج، الگوهای ازدواج در جوامع و نگرش‌هایی که در مورد ازدواج وجود دارد در انحطاط و تعالی جوامع تأثیر به‌سزایی دارد» [۱]. از این رو، سیاستگذاران و قانونگذاران در طول تاریخ و در جوامع مختلف توجه ویژه‌ای به این موضوع داشته‌اند. ازدواج و آداب آن متأثر از فرهنگ بومی و دینی جوامع مختلف، اشکال متفاوتی به خود گرفته و دولت‌ها سعی کرده‌اند مبتنی بر نیازهای فرهنگی (عرفی-دینی) جوامع مسیر شکل‌گیری این نهاد را تسهیل کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز در اسناد سیاستی مختلف از جمله اصل دهم **قانون اساسی**<sup>۱</sup>، سیاست‌های کلی خانواده<sup>۲</sup> به اهمیت موضوع ازدواج تأکید داشته و در راستای تسهیل ازدواج در جامعه و حمایت از تشکیل این نهاد فرهنگی-اجتماعی قانون **«تسهیل ازدواج جوانان»** را در سال ۱۳۸۴ به تصویب رساند. اما به دلایلی از جمله عدم تنظیم آیین‌نامه اجرایی قانون، عدم توجه مفاد قانون به ضمانت اجرایی احکام، عدم تأمین منابع مالی تکالیف مندرج در قانون، این قانون اجرایی نشده و فارغ از قانون ذکر شده در قوانین بودجه سنواتی و **«قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»** حمایت‌های دیگری از جمله تسهیلات قرض الحسنه ازدواج و جهیزیه مورد توجه قرار گرفته که به دلیل پراکندگی و همسو نبودن مجموعه قوانین و اقدامات، تحقق اهداف مطلوب در این حوزه محل تردید است. لذا ضرورت بازبینی **قانون تسهیل ازدواج** و مجموعه تکالیف قانونی این مسئله در راستای یکپارچه‌سازی، اصلاح شبکه حمایت‌ها و اقدامات و پوشش خلأهای قانون بر مبنای نیازسنجی صورت گرفته در این حوزه وجود دارد.

همچنین، به دلیل بالا بودن سرعت تحولات اجتماعی ارائه هر گونه پیشنهاد قانونی نیازمند وجود تصویر واقعی از وضعیت مسئله مورد بررسی است. چراکه ازدواج ابعاد مختلفی دارد و ساحت‌های گوناگون فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و هر گونه تحرک در هر کدام از این حوزه‌ها بر فرایند ازدواج اثر گذاشته و شاخص‌های ازدواج را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. لذا لازمه پرداختن به این موضوع در گام اول احصای تغییرات صورت گرفته در این حوزه است. تغییرات مذکور را می‌توان با استفاده از بررسی وضعیت کارکردهای خانواده، داده‌های آماری موجود در این زمینه و تغییرات جهانی رخ داده و نظریات علمی در این حوزه مورد بررسی قرار داد. آمار و داده‌های طبقه‌بندی شده مرتبط با ازدواج و بررسی پیامدهای عدم تشکیل خانواده و کارکردهای آن، تبیین‌کننده تغییرات اجتماعی رخ داده در موضوع ازدواج و کیفیت خانواده‌های تشکیل یافته است. با کنار هم قرار گرفتن داده‌های تجربی و نظریات موجود در این حوزه می‌توان احتمالات ممکن آینده جامعه در

۱. اصل (۱۰) قانون اساسی: «از آنجاکه خانواده واحد بنیادین جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد».

۲. بند «۴»: ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و افراد در سنین مناسب ازدواج و تشکیل خانواده و نفی تجرد در جامعه با وضع سیاست‌های اجرایی و قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی و فرهنگ‌سازی و ارزش‌گذاری به تشکیل خانواده متعالی براساس سنت الهی.

بند «۶»: ارائه و ترسیم الگوی اسلامی خانواده و تقویت و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی با:

- ترویج ارزش‌های متعالی و سنت‌های پسندیده در ازدواج و خانواده.



این حوزه را مشخص و با آینده‌های مطلوب مقایسه کرد. فاصله آینده‌های ممکن و مطلوب و وضعیت موجود، امکان ورود قانونی و سیاستی دقیق و کارآمد را ایجاد می‌کند. به عبارتی می‌توان گفت، مشخص شدن وضعیت موجود در امر ازدواج و همه ابعاد آن امکان‌های پیش روی سیاستگذاران و قانونگذاران را مشخص خواهد کرد. لذا به عنوان گام اول از یک پروسه تحقیقاتی در راستای تبیین وضعیت تشکیل خانواده در ایران، در گزارش پیش‌رو روند تغییرات رخ داده در نرخ ازدواج، سن ازدواج و الگوهای انتخاب همسر در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته و از میان داده‌های به دست آمده، تغییرات هنجاری مسئله‌ساز مورد توجه قرار گرفته است تا در مراحل بعد و تکمیل چرخه شناخت امکان ارائه راه‌حل‌های قانونی میسر شود. نکته قابل توجه این است که در تبیین متغیرهای اثرگذار بر الگوی همسرگزینی در جامعه، عوامل بیرونی (عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) مورد توجه نبوده<sup>۱</sup> و تغییرات مورد نظر بر اساس متغیرهای زمینه‌ای مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

## ۲. وضعیت رفتاری مردم در حوزه ازدواج

نرخ ازدواج: داده‌های سازمان ثبت احوال کشور، نشان‌دهنده کاهش چشمگیر ثبت ازدواج‌ها در دهه ۹۰ و ابتدای دهه ۱۴۰۰ بوده است.

جدول ۱. میزان ازدواج‌های انجام شده و تغییرات آن

سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲
تعداد کل ازدواج‌ها	۸۷۴۷۲۹	۸۲۹۹۶۸	۷۹۳۸۱۵	۷۵۲۵۵۱	۷۰۰۸۸۰	۶۷۰۴۸۵	۶۱۱۶۵۶	۵۵۵۶۴۴	۵۳۵۸۴۹	۵۶۲۲۱۷	۵۷۲۰۱۱	۵۲۶۹۲۵	۴۸۰۸۶۸
درصد تغییرات به نسبت سال قبل	-۱/۹	-۵/۱	-۶/۷	-۵/۲	-۶/۸	-۴/۳	-۸/۷	-۹/۱	-۳/۵	۴/۹	۱/۷	-۷/۸	-۸/۷

مأخذ: سازمان ثبت و احوال.<sup>۲</sup>

جدول فوق روند نزولی ازدواج از ابتدای دهه ۹۰ تا سال ۱۳۹۸ را نشان می‌دهد، به گونه‌ای که میزان ازدواج حدود ۴۰ درصد کاهش یافته است. بر این اساس، میزان ازدواج‌های ثبت شده در دو سال پیاپی ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ با افزایش ۴/۹ و ۱/۷ درصدی روبه‌رو بوده، اما با تغییر قابل توجهی در سال ۱۴۰۱، حدود ۸ درصد نرخ ازدواج ثبت شده کاهش یافته و این روند کاهشی در سال ۱۴۰۲ نیز ادامه داشته و با کاهش حدود ۹ درصدی روبه‌رو بوده است.

گفتنی است؛ نرخ خام ازدواج تبیین دقیقی از وضعیت تشکیل خانواده در جامعه را ارائه نمی‌دهد و ضروری است این نرخ در نسبت با جامعه آماری در سن ازدواج و یا جامعه آماری که امکان ازدواج دارند مورد بررسی قرار گیرد.

همچنین، دو شاخص دیگری که در بررسی میزان ازدواج مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ میزان عمومی ازدواج و میزان بازتعریف شده ازدواج است. در مورد اول، میزان ازدواج به ازای هر هزار نفر جمعیت محاسبه می‌شود که از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ در ایران از ۱۰/۵ به ۶/۹ رسیده و به عبارتی از هر ۱۰۰۰ نفر در حدود ۷ ازدواج ثبت شده است. البته سیستان و بلوچستان تنها استانی است که روند متفاوتی نسبت به وضعیت کل کشور دارد. به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۵ میزان عمومی ازدواج این استان بارشد روبه‌رو بوده و کاهشی بودن ازدواج در سنوات دیگر نیز

۱. تأثیر عوامل بیرونی در گزارشی با عنوان «عوامل تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج جوانان» به شماره مسلسل ۱۸۱۷۷ مورد بررسی قرار گرفته است.  
۲. براساس نامه دریافتی از سازمان ثبت احوال کشور به شماره ۱۴۰۲/۹۹۱۹۹۶ مورخ ۱۴۰۲/۲۳/۱۴۰۲.

بسیار ناچیز می‌باشد. به عبارتی می‌توان گفت، میزان عمومی ازدواج در این استان و در بازه زمانی مذکور فقط ۱ واحد کاهش داشته است [۲]. شاخص فوق نیز دقت کافی در بررسی تغییرات موضوع ازدواج در جامعه را ندارد، چراکه میزان ازدواج را در کل جمعیت جامعه مورد بررسی قرار می‌دهد نه در جمعیت در سن ازدواج؛ لذا تغییرات جمعیتی ضریب خطای این شاخص را افزایش می‌دهد. باین حال، جدول ذیل میزان تغییرات عمومی ازدواج را در دهه ۹۰ نشان می‌دهد.

جدول ۲. میزان ناخالص ازدواج از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲

سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲
میزان عمومی ازدواج (میزان ناخالص ازدواج به ازای هر هزار نفر)	۱۱/۹	۱۱/۱	۱۰/۵	۹/۸	۹	۸/۵	۷/۷	۶/۹	۶/۶	۶/۸	۶/۹	۶/۳	۵/۷

مأخذ: همان.

در شاخص فوق نیز از ابتدای دهه ۹۰ تا سال ۱۴۰۲، حدود ۵۲ درصد کاهش میزان عمومی ازدواج ثبت شده است. شاخص دوم (میزان بازتعریف شده ازدواج) نسبت تعداد ازدواج‌های بار اول به تعداد زنان هرگز ازدواج نکرده را نشان می‌دهد. به عبارتی «رویداد ازدواج متأثر از تعداد ازدواج‌های رخ داده، به‌ویژه ازدواج‌های بار اول (تعداد رویداد) و تعداد زنان هرگز ازدواج نکرده (جمعیت در معرض رویداد) است. هر زن ازدواج نکرده، بالقوه معرف یک زندگی مشترک است که امکان تشکیل دارد. بنابراین فراوانی ازدواج‌ها به‌ازای زنان هرگز ازدواج نکرده نشان‌دهنده تعداد زندگی‌های مشترک خانوادگی می‌باشد که امکان تشکیل شدن را داشته و این امکان محقق شده است» [۳]. البته این شاخص نیز دارای بی‌دقتی‌هایی است؛ از جمله اینکه «بازاری برای صحت‌سنجی داده‌های زنان هرگز ازدواج نکرده در دسترس نیست. باین حال، به استناد بند «۲۶۱» اصول و توصیه‌هایی برای نظام ثبت احوال و آمار حیاتی، محاسبات این بخش با این اخطار که در استفاده از آمارها، شرط احتیاط الزامی است؛ ارائه شده است. البته مشکل اصلی میزان بازتعریف شده ازدواج آن است که این نرخ به تغییرات در ترکیب سنی جمعیت در معرض رویدادها، برای میزان بازتعریف شده ازدواج جمعیت هرگز ازدواج نکرده، حساس نیست. از این رو، چنانچه بخواهیم دو استان را با دو ساختار سنی متفاوت مورد مقایسه قرار دهیم؛ وزن‌های به کار گرفته شده برای دو استان کاملاً متفاوت خواهند بود» [۳]. با ملاحظات ذکر شده نرخ میزان بازتعریف شده ازدواج در سال ۱۳۹۷ معادل ۵۰ درصد بوده است. البته در راستای رفع چالش ذکر شده، شاخص «میزان بازتعریف شده استاندارد شده ازدواج» تعریف شده که در آن «میزان بازتعریف شده هر گروه سنی، در نسبت گروه سنی جمعیت آن گروه ضرب می‌شود؛ بر این اساس، در تمام موارد ساختمان جمعیتی واحدی را به‌عنوان استاندارد انتخاب کرده و به این ترتیب ساختمان‌های سنی یکسان شده و میزان بازتعریف شده استاندارد می‌شود» [۳].

بررسی پراکنش جغرافیایی ازدواج نشان می‌دهد که از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸ استان‌های تهران، خراسان رضوی، فارس، خوزستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و شرقی و اصفهان بیشترین ثبت ازدواج و استان‌های سمنان، ایلام، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویر احمد کمترین آمار ثبت ازدواج را به‌خود اختصاص داده‌اند. البته بررسی نسبت ازدواج‌ها به جمعیت هر استان، استان‌های خراسان شمالی، اردبیل و کردستان را در صدر بیشترین سهم از ازدواج‌های ثبتی نسبت به جمعیت استان خود قرار می‌دهد و استان‌های سمنان، اصفهان، البرز و تهران کمترین ازدواج را نسبت به جمعیت خود ثبت کرده‌اند.

علاوه بر آنکه داده‌های مربوط به نرخ ازدواج بازتعریف شده در سال ۱۳۹۷ که داده دقیق‌تری است، نشان می‌دهد استان‌های سمنان، تهران و البرز کمترین میزان و خراسان شمالی، اردبیل و خراسان جنوبی بیشترین میزان ازدواج نسبت به زنان هرگز ازدواج نکرده استان را به‌خود اختصاص داده‌اند.

همچنین، تعداد ازدواج‌های ثبتی در هر استان شاخص دقیقی برای تحلیل پراکنش جغرافیایی ازدواج در کشور نیست و محاسبه نسبت ازدواج‌ها به جمعیت هر استان و میزان بازتعریف شده ازدواج نشان می‌دهد در استان‌های باورهای قومی، ازدواج‌های بیشتری در نسبت با



امکان ازدواج (زنان هرگز ازدواج نکرده) ثبت شده است.

– سن ازدواج: براساس ماده (۱۰۴۱) **قانون مدنی**، سن قانونی ازدواج برای دختران ۱۳ سال و بزرگ‌تر و پسران ۱۵ سال و بزرگ‌تر بیان شده و ازدواج زیر این سن منوط به اجازه ولی و تشخیص دادگاه می‌باشد. البته میانگین سن ازدواج جوانان بالاتر از حداقل سن امکان ازدواج است.

### جدول ۳. تغییرات میانگین سن ازدواج دختران و پسران در اولین ازدواج

سال بررسی	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲
میانگین سن ازدواج دختران در اولین ازدواج	۲۳/۴	۲۲/۹	۲۲/۹	۲۳/۱	۲۳/۳	۲۲/۹	۲۳/۳	۲۳/۴	۲۳/۴	۲۳/۴	۲۳/۶	۲۳/۸	۲۴
میانگین سن ازدواج پسران در اولین ازدواج	۲۶/۷	۲۷/۳	۲۷/۳	۲۷/۳	۲۷/۹	۲۷/۴	۲۷/۴	۲۷/۵	۲۷/۶	۲۷/۶	۲۷/۸	۲۸	۲۸/۳

مأخذ: سالنامه آماری، سازمان ثبت احوال کشور.

مطابق جدول فوق به‌استثنای داده‌های مربوط به سال ۱۳۹۵ روند تغییرات میانگین سنی ازدواج زنان و مردانی که برای بار اول ازدواج کرده‌اند در دهه ۹۰ افزایشی بوده است. رشد میانگین سن ازدواج سال ۱۳۶۵ که برای زنان ۱۹٫۸ و برای مردان ۲۳٫۶ گزارش شده، با میانگین سن ازدواج در سال ۱۴۰۲ و در بازه زمانی ۳۷ سال، حدود ۲۰/۵ درصد<sup>۱</sup> افزایش داشته که این روند افزایشی در مناطق روستایی شیب بیشتری داشته است [۴]. البته «بنابر آمارهای سازمان ملل (۲۰۱۵)، سن ازدواج در ایران، در مقایسه با بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته پایین‌تر است و احتمال دارد ما را از توجه کافی و رصد تحولات سن ازدواج غافل کند؛ حتی چنانچه فرض کنیم جوانان پس از تأخیر در ازدواج بالاخره در سن بالاتری ازدواج می‌کنند. لذا با ادامه روندهای کنونی، دست کم می‌توان انتظار داشت که طول عمر خانواده‌ها در کشور کوتاه‌تر شود» [۵]. نکته دیگر ارتباط میانگین سن ازدواج و پراکنش جغرافیایی الگوی ازدواج در ایران است که نشان می‌دهد، میانگین سن ازدواج در شهرستان‌ها با میانگین استان‌ها بسیار متفاوت می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که میانگین سن اولین ازدواج برای دختران در شهرستان‌های کشور از حدود ۱۸/۹ سال تا ۲۷/۹ سال پراکندگی دارد و برای پسران نیز از ۲۲/۱ سال تا ۳۰/۴ سال متفاوت است. این در حالی است که میانگین سن ازدواج دختران و پسران در سطح استان‌های کشور در بازه (۲۶/۳-۲۱/۷ سال) و (۲۸/۹-۲۴/۷ سال) ثبت شده است. یعنی تفاوت‌ها در سطح شهرستان تقریباً دو برابر نوسانات سطح استانی است. همچنین، ازدواج در شهرستان‌های واقع در شرق و تا حدی مرکز کشور به‌طور کلی در سنین پایین‌تری اتفاق می‌افتد؛ در حالی که سن ازدواج در شهرستان‌های غربی و جنوب غربی به‌طور کلی بالاتر است [۶].

به‌این ترتیب، با قبول اثرگذاری مثبت کاهش نرخ اشتغال بر افزایش سن ازدواج، بررسی نرخ بیکاری در استان‌های کشور نیز مؤید تمایزهای استانی در میانگین سن ازدواج است. به‌گونه‌ای که ۵ استان با بالاترین نرخ بیکاری در زمستان ۱۴۰۱ به ترتیب شامل کردستان، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، لرستان و همدان بوده‌اند [۷]. البته باید ابعاد اثرگذاری اشتغال جوانان بر الگوی همسرگزینی مورد بررسی قرار گیرد که در این گزارش مورد هدف نبوده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که در سال ۱۴۰۱ در تهران، ایلام و فارس بالاترین میانگین سن ازدواج مردان (۳۰/۳، ۲۹/۷ و ۲۹/۷ سال) و در تهران، البرز و ایلام بالاترین میانگین سن ازدواج زنان (۲۶/۸، ۲۶/۲ و ۲۶/۱ سال) ثبت شده است. در مورد سن ازدواج مردان در استان‌های البرز، کهگیلویه و بویراحمد و کرمانشاه و زنان در استان‌های گیلان، کرمانشاه و فارس در رتبه‌های بعدی بالاترین سن ازدواج قرار دارند. همچنین استان‌های یزد، خراسان شمالی، خراسان رضوی، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان ۵ استانی هستند که کمترین میانگین سن ازدواج

۱. درصد رشد میانگین سن ازدواج برای زنان ۲۱/۲ درصد و برای مردان ۱۹/۹ درصد بوده است.  
۲. داده‌های این پژوهش مربوط به سالنامه آماری سال ۱۳۹۰ است.

برای مردان و زنان در آن ثبت شده است.

میانگین سن مردان در اولین ازدواج در ۲۵ درصد از استان‌های کشور کمتر از ۲۶/۸ سال، ۲۵ درصد استان‌ها بیشتر از ۲۸/۴ سال و در ۵۰ درصد بین ۲۶/۸ تا ۲۸/۳ سال بوده است و در مورد زنان میانگین سن در اولین ازدواج در ۲۵ درصد از استان‌های کشور کمتر از ۲۲/۵ سال، در ۲۵ درصد بیشتر از ۲۴/۷ سال و ۴۵/۳ درصد از ازدواج‌های بار اول زنان در ۱۷ استان رخ داده، که میانگین سن زنان در زمان ازدواج بار اول برای زنان ساکن آن استان‌ها، بین ۲۲/۶ تا ۲۴/۳ سال در نوسان بوده است [۸]. لذا می‌توان گفت؛ سن ازدواج حدود ۵۰ درصد جامعه نزدیک به میانگین سن ازدواج کل است و کشیدگی نمودار میانگین سن ازدواج در سنین با اختلاف بالاتر از میانگین سن ازدواج در حد یک چهارم جامعه می‌باشد و سیاستگذار با شناسایی عوامل مداخله‌گر در افزایش سن ازدواج این گروه از جامعه فرصت کاهش میانگین سن ازدواج کل را دارد. به عبارتی می‌توان گفت؛ در صورت تسهیل شرایط ازدواج، جامعه سنین غیرمتعارف را برای ازدواج انتخاب نمی‌کند. در مورد دو استان تهران و البرز با توجه به کلان‌شهر بودن، رشد صنعتی شدن و پیامدهای آن و همچنین مهاجرپذیر بودن آنها می‌توان توجیه منطقی داشت؛ اما در مورد استان ایلام این داده و چرایی آن باید مورد بررسی قرار گیرد. چه بسا الگوی ازدواج در این استان ریشه فرهنگی داشته باشد.

شاخص دیگری که با میانگین سن ازدواج رابطه معناداری دارد ازدواج در قومیت‌هاست. نتایج یک بررسی که براساس داده‌های طرح ملی «بررسی ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی خانوار ۱۳۸۰» [۹] صورت گرفته و واحد تحلیل آن، هر زن ازدواج کرده ۴۹-۱۵ ساله در زمان بررسی برحسب زمینه قومی است، بیانگر آمار بالای ازدواج‌های درون قومی است. به گونه‌ای که میزان ازدواج درون قومی در کل کشور حدود ۹۳ درصد بوده و کمترین میزان این ازدواج‌ها با ۹۰/۹ درصد مربوط به قوم گیلک و بیشترین میزان با ۹۶/۳ درصد مربوط به قوم عرب می‌باشد. به همین نسبت دایره ازدواج بین قومی و وجود فاصله اجتماعی میان گروه‌های قومی در ایران محدود است. به طوری که میزان ازدواج بین قومی کمتر از ۸ درصد بوده و این میزان از ۳/۷ درصد برای عرب‌ها تا ۹/۱ درصد نزد فارس‌ها در نوسان است. نکته دیگر در این بررسی این است که همانندی برخی از مشخصه‌ها از جمله آموزش می‌تواند تأثیر هنجارها و سنت‌های قومی مرتبط با ازدواج را به طور محسوسی کاهش دهد.

در مورد میانگین سن ازدواج نیز، کمترین سن ازدواج با ۱۶/۲ سال مربوط به قوم بلوچ و بیشترین آن با ۲۰/۱۷ سال مربوط به قوم گیلک است. - **ازدواج خویشاوندی:** این ازدواج گزاره دیگری است که در بررسی‌ها مورد توجه قرار گرفته، اما آمار کل کشوری نشان می‌دهد حدود ۴۲ درصد الگوها، براساس ازدواج خویشاوندی بوده است. البته در این بررسی اختلاف بین قومیت‌ها بسیار بالاست. به گونه‌ای که در میان بلوچ‌ها حدود ۸۰ درصد ازدواج‌ها خویشاوندی بوده و در میان گیلک‌ها حدود ۲۳ درصد ازدواج‌ها با خویشاوند صورت گرفته است. لذا در مورد قومیت‌های مختلف از ازدواج خویشاوندی متفاوت بوده و نمی‌توان به عنوان یک گزاره سیاستی ملی به آن توجه کرد. بررسی دیگری که حدود ۱۷ سال بعد و در سال ۱۳۹۷ انجام گرفته، داده‌های مشابهی را اعلام کرده است. به طوری که کمترین میانگین سن در زمان اولین ازدواج متعلق به قومیت بلوچ با ۱۹،۳ سال برای زنان و ۲۳،۴ سال برای مردان است. کمینه دیگر قومیت‌ها پس از آن، به ترتیب با ۲۱،۸ سال و ۲۶ سال متعلق به قومیت عرب است.

همچنین، بیشترین میانگین سن در اولین ازدواج زنان در قومیت گیلک با ۲۶،۳ سال و در قومیت لر با ۲۵ سال مشاهده شد. اما بیشترین میانگین سن در اولین ازدواج مردان ۲۸،۴ سال در قومیت فارس و ۲۸،۲ سال در قومیت گیلک است. مؤلفه دیگری که در کنار ازدواج‌های قومی بر میانگین سن ازدواج اثر دارد؛ ازدواج‌های خویشاوندی است. به عبارتی در قومیت‌هایی که میانگین سن ازدواج پایین‌تر باشد، ازدواج‌های خویشاوندی رواج بالاتری دارد [۱۰].

البته در پیمایش‌های سال‌های اخیر نیز، هم قوم بودن به عنوان یکی از ملاک‌های مهم در انتخاب همسر بیان شده است.

درواقع می‌توان گفت؛ انتخاب هم قوم و خویشاوند، یکی از دغدغه‌های انتخاب گزینه مناسب ازدواج که شناخت و قرابت فرهنگی زوجین با یکدیگر است را مرتفع می‌سازد و از این حیث باید مورد توجه سیاستگذار نیز قرار گیرد.



**الگوی تقاطع سنی زوجین:** شاخص دیگری که به توضیح رفتار مردم در موضوع ازدواج کمک می‌کند، الگوی تقاطع سنی ازدواج است. در این شاخص ازدواج زوجین براساس فاصله سنی آنها ثبت شده و مشخص است که افراد با چه فاصله سنی با یکدیگر ازدواج کرده‌اند. فراوانی‌های ثبت شده در این الگوها امکان تحلیل رفتار جامعه را فراهم می‌کند. بررسی این شاخص نشان می‌دهد:

- درصد زنان دارای همسر در سنین زیر ۳۰ سال نسبت به مردان در همین سنین بیشتر بوده است و زنان زودتر ازدواج می‌کنند و از طرفی در سنین میان‌سال (۴۵ یا ۵۰ سال به بالا) نیز به تدریج درصد مردان دارای همسر نسبت به زنان دارای همسر بیشتر می‌شود. تبیین این پدیده به رفتار متفاوت دو جنس پس از پایان زندگی مشترک (بر اثر طلاق یا فوت همسر) بر می‌گردد؛ به گونه‌ای که بیشتر مردان بی‌همسر (در اثر فوت یا طلاق) مجدداً ازدواج کرده‌اند. این در حالی است که زنان در سنین میان‌سال به بالا، بعد از فوت یا طلاق، گرایش کمتری نسبت به ازدواج مجدد از خود نشان می‌دهند [۴]. شاخص میزان ازدواج ویژه سنی<sup>۱</sup> نیز مؤید این مطلب خواهد بود؛ به گونه‌ای که «میزان ازدواج برای مردان هرگز ازدواج نکرده از سن ۵۵ سالگی به بعد برخلاف زنان روند رو به رشدی داشته و از ۲۰/۷ برای هر هزار مرد هرگز ازدواج نکرده ۵۴-۵۰ ساله به ۲۹/۵ درصد برای مردان مشابه در گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر می‌رسد» [۳].

- در سال ۱۳۸۵ بیشترین ازدواج‌ها مربوط به الگوی ازدواج بین دختران ۱۹-۱۵ سال با پسران ۲۴-۲۰ سال می‌باشد، اولویت دوم الگوی ازدواج در این سال مربوط به ازدواج دختران ۲۴-۲۰ سال با پسران ۲۹-۲۵ سال بوده و الگوی سوم دختران ۲۴-۲۰ سال با پسران ۲۹-۲۵ سال است. همچنین، در سال ۱۳۹۰ نیز الگوی اول ازدواج مطابق سال ۱۳۸۵ بوده، اما در اولویت دوم بیشترین ازدواج‌ها مربوط به دختران ۲۴-۲۰ سال و پسران ۲۹-۲۵ سال و الگوی سوم مربوط به ازدواج دختران ۲۴-۲۰ سال با پسران ۲۴-۲۰ سال می‌باشد. در سال ۱۳۹۵، گروه سنی اول و دوم مطابق سال ۱۳۹۰ است، اما سومین گروه سنی پر ازدواج به الگوی ازدواج دختران ۱۹-۱۵ سال با پسران ۲۹-۲۵ سال تعلق دارد. سال ۱۳۹۶ نیز گروه‌های سنی با بیشترین ازدواج مطابق سال ۱۳۹۵ ثبت شده است. گفتنی است؛ داده‌های موجود از سازمان ثبت تا سال ۱۳۹۶ به صورت بازه‌های سنی در دسترس قرار دارد، اما از سال ۱۳۹۷ به بعد به صورت تک‌سنی در اختیار قرار گرفته که در این راستا بازه‌های سنی دیگری نیز سنجش شده و نتایج متفاوتی به دست آمده است.

به عبارتی می‌توان گفت؛ ۶ نوع الگو در تغییرات تقاطع سنی زوجین جوان با بیشترین فراوانی وجود دارد که به شرح زیر است:

- الگوی اول (الف): دختران ۱۹-۱۵ سال با پسران ۲۴-۲۰ سال،
- الگوی دوم (ب): دختران ۲۴-۲۰ سال با پسران ۲۴-۲۰ سال،
- الگوی سوم (پ): دختران ۲۴-۲۰ سال با پسران ۲۹-۲۵ سال،
- الگوی چهارم (ج): دختران ۱۹-۱۵ سال با پسران ۲۹-۲۵ سال،
- الگوی پنجم (د): دختران ۲۱-۱۷ سال با پسران ۲۵-۲۱ سال،
- الگوی ششم (ر): دختران ۲۰-۱۶ سال با پسران ۲۴-۲۰ سال.

۱. میزان ازدواج مردان و زنان هرگز ازدواج نکرده در هر گروه سنی.

#### جدول ۴. اولویت الگوهای سنی ازدواج زوجین

گروه سنی سوم			گروه سنی دوم			گروه سنی اول			
درصد از کل ازدواج	نرخ ازدواج	نوع الگو	درصد از کل ازدواج	نرخ ازدواج	نوع الگو	درصد از کل ازدواج	نرخ ازدواج	نوع الگو	
	۱۱۵۱۱۶	(پ)		۱۳۳۳۹۰	(ب)		۱۱۴۵۳۶۹	(الف)	۱۳۸۵
۱۱۴/۶	۱۳۷۷۸۶	(ب)	۱۵/۰۴	۱۳۱۶۲۷	(پ)	۱۸/۳	۱۶۰۱۰۸	(الف)	۱۳۹۰
۱۰/۲	۶۸۱۴۸	(ج)	۱۴/۰۴	۹۴۱۸۶	(پ)	۱۴/۷	۹۸۹۲۷	(الف)	۱۳۹۵
۹/۸	۶۰۱۹۰	(ج)	۱۲/۷	۷۷۷۱۲	(پ)	۱۳/۵	۸۳۰۹۰	(الف)	۱۳۹۶
۱۳	۷۲۲۷۶	(الف)	۱۳/۱۲	۷۲۹۱۸	(ر)	۱۳/۸	۷۷۰۱۴	(د)	۱۳۹۷
۱۲/۸۱	۶۸۶۵۲	(الف)	۱۲/۸۸	۶۹۰۲۴	(ر)	۱۳/۵	۷۲۳۹۳	(د)	۱۳۹۸
۱۲/۸۷	۷۲۴۰۵	(الف)	۱۲/۹۷	۷۲۹۴۸	(ر)	۱۳/۴	۷۵۲۲۲	(د)	۱۳۹۹
۱۲/۰۶	۶۳۲۵۷	(الف)	۱۲/۲۶	۶۴۲۷۲	(ر)	۱۲/۴	۶۵۲۶۱	(د)	۱۴۰۱

مأخذ: سایت سازمان ثبت و احوال.

از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱، الگوی تقاطع سنی دختران ۲۱-۱۷ سال با پسران ۲۵-۲۱ سال به عنوان تقاطع سنی با بیشترین ثبت رخداد ازدواج، دختران ۲۰-۱۶ سال با پسران ۲۴-۲۰ سال به عنوان دومین گروه تقاطع سنی و دختران ۱۹-۱۵ سال با پسران ۲۴-۲۰ سال به عنوان سومین گروه سنی به عنوان تقاطع سنی با بیشترین ازدواج شناسایی شده‌اند. به عبارتی، الگوی اول تقاطع سنی ازدواج که در سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۸۵ بیشترین ثبت ازدواج را داشته در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ به جایگاه سوم رسیده است.

نکته دیگر اینکه در سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۷ حدود ۵۴-۵۲ درصد از ازدواج‌ها مربوط به دختران ۲۳ سال به پایین و حدود ۳۸-۳۴ درصد ازدواج‌ها مربوط به پسران ۲۵ سال به پایین بوده، که این میزان در سال ۱۴۰۱ با شیب نزولی اندکی روبه‌رو بوده است. لذا با توجه به اینکه تسهیلات قرض الحسنه ازدواج جوانان از چهار سال گذشته با هدف کم کردن کاهش میانگین سن ازدواج و ازدواج جوانان در سن مطلوب، به صورت پلکانی و برای دختران زیر ۲۳ سال و پسران زیر ۲۵ سال با مبلغ بالاتری مشخص می‌شود، بررسی درصد ازدواج‌های صورت گرفته در تقاطع سنی زوجین، زیر سنین اعلامی را از حیث اثرگذاری قانون ضروری می‌کند.

هر سه الگوی اول با میانگین اختلاف سنی زوجین ۴/۵ و ۵ سال می‌باشد و براساس گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۲، میانگین اختلاف سن در زمان ازدواج از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ از ۵/۳ به ۵/۶ رسیده است [۱۱]. از سوی دیگر، در اولویت قرار گرفتن الگوهای تقاطع سنی، پنجم و ششم با افزایش میانگین سن ازدواج نیز همراهی دارد.

متغیر دیگر در مورد تقاطع سنی زوجین اختلاف سنی آنهاست. بررسی اختلاف سنی زوجین در دهه ۹۰ و سال ۱۴۰۱، نشان می‌دهد در سال‌هایی که نرخ خام ازدواج کاهشی بوده، به تبع آن در اختلاف سنی‌های مختلف نیز کاهش وجود داشته و در دو سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ که نرخ خام ازدواج روند صعودی را تجربه کرده است، ازدواج‌های با اختلاف سنی‌های مختلف نیز روندی افزایشی داشته‌اند. اما نکته قابل ملاحظه این است که در سال‌های مختلف در اختلاف سنی‌های بالاتر زوجین میزان رشد ازدواج (چه منفی و چه مثبت) با درصد کل رشد ازدواج در آن سال انطباق نداشته و این موضوع نشان‌دهنده رشد ازدواج با اختلاف سنی‌های بالاتر زوجین میزان رشد ازدواج (چه منفی و چه مثبت) با درصد کل رشد ازدواج در ازدواج، سهم ازدواج‌های با اختلاف سنی بالا افزایش یافته است. در جدول ذیل سلول‌هایی که با رنگ آجری مشخص شده‌اند از الگوی نرخ رشد آن سال تبعیت نکرده و نشان‌دهنده رشد ازدواج با اختلاف سنی مذکور و سلول‌هایی که با رنگ سبز مشخص شده‌اند، نشان می‌دهد در این بازه‌های سنی تغییرات نرخ ازدواج کمتر از نرخ رشد سالیانه بوده است. به عبارت دقیق‌تر، الگوی ازدواج به سمت ازدواج با اختلاف سنی بالاتر و زوج بزرگ‌تر تغییر کرده است.

۱. داده ذکر شده مربوط به تقاطع سنی دختران ۱۹-۱۶ سال و پسران ۲۴-۲۰ سال است.



جدول ۵. تغییرات اختلاف سنی زوجین از سال ۱۴۰۱-۱۳۹۰

اختلاف سنی زوجین	۱۳۹۰		۱۳۹۱		۱۳۹۵		۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰		۱۴۰۱			
	درصد رشد	فراوانی	درصد رشد	فراوانی	درصد رشد	فراوانی	درصد رشد	فراوانی	درصد رشد	فراوانی	درصد رشد	فراوانی	درصد رشد	فراوانی	درصد رشد	فراوانی	درصد رشد	فراوانی		
بیش از ۲۰ سال		۱۰۸۷۰		۹۸۶۲	-۹/۲	۸۹۸۸		۷۳۹۹	-۱۷/۶	۷۰۱۳	-۵/۲	۶۴۹۳	-۷/۴	۶۵۸۸	۱/۴	۶۸۶۰	۴/۱	۶۱۶۸	-۱۰	-۴۳/۲
۱۶-۲۰		۱۰۱۱۶		۹۵۸۴	-۵/۲	۱۰۱۳۲		۸۷۸۹	-۱۳/۲	۸۶۴۸	۰/۱	۸۸۰۰	۱/۹	۹۹۵۴	۱۳/۶	۱۰۶۹۲	۸/۴	۱۰۱۴۵	-۴/۹	۰/۲
۱۱-۱۵		۴۵۲۰۲		۴۴۶۸۵	-۱/۱	۴۹۸۲۰		۴۵۸۴۱	-۷/۹	۴۴۷۳۹	-۲/۴	۴۴۳۲۷	-۰/۹	۴۹۰۳۶	۱۰/۶	۵۲۳۳۴	۶/۷	۴۷۹۶۲	-۸/۳	۶/۱
۱۰		۲۳۹۲۴		۲۳۵۹۴	-۱/۳	۲۴۰۲۹		۲۱۹۶۲	-۸/۶	۲۰۵۶۲	-۶/۳	۱۹۶۴۵	-۴/۴	۲۱۶۰۲	۹/۹	۲۲۰۸۴	۲/۲	۱۹۸۵۲	-۱۰/۱۰	-۱۷
۹		۳۲۷۷۷		۳۱۹۰۴	-۲/۶	۳۱۲۸۴		۲۸۲۰۶	-۹/۸	۲۵۴۲۴	-۹/۸	۲۴۹۶۰	-۱/۸	۲۶۷۰۸	۷	۲۷۱۲۴	۱/۵	۲۴۵۵۴	-۹/۴	-۲۵
۸		۴۲۵۳۴		۴۱۷۴۲	-۱/۸	۳۸۸۶۷		۳۴۴۳۱	-۱۱/۴	۳۱۰۳۲	-۹/۸	۳۰۲۸۶	-۲/۴	۳۱۶۸۶	۴/۶	۳۲۵۳۹	۲/۶	۲۹۰۴۷	-۱۰/۷	-۳۱/۷
۷		۵۴۲۶۵		۵۲۹۲۶	-۲/۴	۴۶۰۰۲		۴۰۷۷۷	-۱۱/۳	۳۶۱۳۴	-۱۱/۳	۳۴۸۶۱	-۳/۵	۳۷۰۹۹	۶/۴	۳۷۱۹۰	۰/۲	۳۳۰۵۵	-۱۱/۱	-۳۹
۶		۶۴۸۶۵		۶۱۸۵۲	-۴/۶	۵۱۶۰۸		۴۵۰۹۳	-۱۲/۶	۳۹۷۰۷	-۱۱/۹	۳۸۵۴۳	-۲/۹	۴۰۲۹۱	۴/۵	۴۰۵۵۰	۰/۶	۳۶۶۸۲	-۹/۵	-۴۳/۴
۵		۷۳۸۸۷		۶۸۹۳۳	-۶/۷	۵۵۹۸۸		۴۸۳۹۸	-۱۳/۵	۴۲۷۹۷	-۱۱/۵	۴۱۰۸۸	-۳/۹	۴۳۱۵۷	۵	۴۳۵۷۸	۰/۹	۳۹۳۸۷	-۹/۶	-۴۶/۶
۴		۷۸۹۸۱		۷۴۴۰۰	-۵/۸	۵۹۱۶۶		۵۰۱۷۴	-۱۵/۱	۴۴۷۶۲	-۱۰/۷	۴۲۴۲۸	-۵/۲	۴۴۶۰۰	۵/۱	۴۵۱۳۸	۱/۲	۴۱۱۸۶	-۸/۷	-۴۷/۸
۳		۸۱۲۴۲		۷۶۷۰۷	-۵/۵	۵۹۲۴۰		۵۰۱۹۹	-۱۵/۲	۴۵۰۲۷	-۱۰/۳	۴۲۷۳۵	-۵/۱	۴۴۴۱۲	۳/۹	۴۵۳۰۹	۲	۴۱۷۳۲	-۷/۸	-۴۸/۶
۲		۷۹۱۶۴		۷۴۴۷۵	-۵/۹	۵۷۲۸۴		۴۸۶۱۳	-۱۵/۱	۴۳۶۲۷	-۱۰/۲	۴۱۷۲۴	-۴/۳	۴۳۰۱۶	۳	۴۳۳۰۰	۰/۶	۴۰۵۲۳	-۶/۴	-۴۸/۸
۱		۷۳۵۳۳		۶۸۸۶۰	-۶/۳	۵۴۰۹۱		۴۵۳۰۰	-۱۶/۲	۴۱۱۶۵	-۹/۱	۳۸۹۸۸	-۵/۲	۴۰۱۰۰	۲/۸	۴۰۹۷۶	۲/۱	۳۸۰۸۱	-۷	-۴۸/۲
۰		۱۰۸۶۷۷		۱۰۱۳۸۵	-۶/۷	۸۴۵۵۳		۷۱۸۷۵	-۱۴/۹	۶۴۹۲۷	-۹/۶	۶۲۴۰۵	-۳/۸	۶۳۲۳۱	۱/۳	۶۴۴۵۴	۱/۹	۶۰۲۱۸	-۶/۵	-۴۴/۵
نرخ کل رشد		-۱/۹		-۵/۱		-۴/۳		-۸/۷		-۹/۱		-۳/۵		۴/۹		۱/۷		-۸/۳		

مأخذ: سازمان ثبت و احوال کشور.

براساس جدول فوق در یک دهه گذشته، به رغم کاهش نرخ ازدواج، ازدواج با اختلاف سنی ۲۰-۱۶ و ۱۵-۱۱ سال با رشد مثبت همراه بوده است. این گزاره به معنای مضیقۀ ازدواج برای گروهی از دختران هم‌سال با پسرانی است که با دختران بسیار کوچک‌تر از خود ازدواج می‌کنند. به عبارتی، با وجود اینکه از سال ۱۳۹۵ به بعد مضیقۀ ازدواج برای دختران از بین رفته لذا تعداد دختران هرگز ازدواج نکرده کمتر از پسران هرگز ازدواج نکرده شده است. اما بررسی دوره‌های سنی نشان می‌دهد در بعضی از گروه‌های سنی همچنان مضیقۀ برای دختران وجود دارد و در برخی از گروه‌های سنی تعداد پسران بیش از دختران است؛ که در هر کدام از حالت‌های فوق انحرافات و آسیب‌هایی متوجه خانواده می‌شود. لذا تلاش در جهت تعادل در نسبت جنسی در گروه‌های سنی مختلف و همچنین فرهنگ‌سازی در راستای الگوهای همسرگزینی در اولویت قرار می‌گیرد.

نکته دیگر اینکه در سال ۱۴۰۱ بیشترین ازدواج ثبتی با فراوانی ۱۹۱۷ رخداد و با اختلاف سنی حداقل ۱۲ سال به ازدواج دختران زیر ۱۵ سال با پسران ۲۵ سال مربوط می‌شود. ازدواج دختران ۱۶ سال با پسران ۲۶ سال و دختران ۱۸ سال با پسران ۲۸ سال با فراوانی ۱۹۱۲ و ۱۸۴۸ رخداد به ترتیب در نوبت‌های بعدی قرار دارند. به عبارتی می‌توان گفت؛ در میان ازدواج‌های با اختلاف سنی رو به افزایش این الگوها بیشترین فراوانی را داشته‌اند.

**- وضعیت بازار ازدواج:** علاوه بر تغییرات ایجاد شده در نرخ ازدواج، سن ازدواج و تقاطع‌های سنی ازدواج در کشور، تغییراتی در الگوهای همسرگزینی نیز رخ داده است که از آنها می‌توان با عنوان هنجارهای ازدواج یاد کرد.

یکی از شاخص‌های مورد بررسی در این حوزه تغییر الگوی بازار ازدواج در جامعه است. داده‌های موجود نشان می‌دهد که در سه سال ۱۳۹۲، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ بالای ۹۰ درصد از ازدواج‌ها تجربه اول زن و مرد بوده، در حالی که از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ میزان ازدواج‌های زن و مرد در اولین تجربه‌شان نسبت به کل ازدواج‌های هر سال حدود ۸۰ درصد بوده است. به عبارتی می‌توان گفت؛ میزان ازدواج‌های دوباره (بازازدواج‌ها) نسبت به ازدواج‌های بار اول در حال رشد می‌باشد. البته طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ بازازدواج مردان با زنان هرگز ازدواج نکرده نسبت به بازازدواج زنان با مردان هرگز ازدواج نکرده، حدود ۲ درصد اختلاف دارد و مردان بیشتر ازدواج کرده‌اند. اما در این میان بررسی نسبت جنسی بازازدواج‌ها،<sup>۱</sup> نشان‌دهنده رشد بازازدواج زنان نسبت به بازازدواج مردان بوده، به گونه‌ای که نسبت جنسی بازازدواج‌ها از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ از ۱۳۸/۲ به ۱۱۳ رسیده است.

توزیع جغرافیایی بازازدواج مردان با زنان هرگز ازدواج نکرده به گونه‌ای است که البرز با ۲/۹ درصد در صدر و سمنان با ۰/۴ درصد پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده است. این توزیع جغرافیایی در مورد بازازدواج زنان با مردان هرگز ازدواج نکرده نیز تکرار شده، به گونه‌ای که در استان البرز ۳/۷ درصد و استان سمنان ۰/۹ درصد بوده است. بیشتر بودن بازازدواج زنان با مردان هرگز ازدواج نکرده در استان البرز را می‌توان در ارتباط بالایی با مهاجرپذیری و وضعیت گمنامی در این استان دانست. به عبارتی، این نوع از ازدواج در جوامعی که درصد بیشتری از افراد بومی هستند با مخالفت بیشتری روبه‌رو می‌شود و به نوعی یک تابوی فرهنگی است. البته عوامل دیگری نیز بر این رفتار فرهنگی تأثیر گذار هستند که باید در پژوهشی مستقل مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی تغییرات ازدواج در استان‌های کشور نشان می‌دهد که در اکثر استان‌ها، میزان بازازدواج زنان نسبت به بازازدواج مردان سیر رشد قابل توجهی داشته، اما در دو استان ایلام و قزوین این روند معکوس بوده و بازازدواج زنان کاهش پیدا کرده است. به عبارتی می‌توان گفت؛ بازازدواج زنان در دو استان مذکور با مانعی روبه‌رو است.

از سوی دیگر، بررسی میانگین سنی زنان و مردان بازازدواج کرده نشان‌دهنده افزایش سن افراد در بازازدواج می‌باشد که تحت تأثیر مستقیم افزایش سن ازدواج در مرتبه اول و افزایش سن طلاق است. افزایش سن، کارکردهای مورد انتظار از خانواده تشکیل شده و به نوعی پایداری خانواده را کاهش می‌دهد. یکی از کارکردهای مهم تشکیل مجدد خانواده، تداوم فرزندآوری و تربیت نسل است که با افزایش سن در بازازدواج با چالش روبه‌رو می‌شود.

۱. نسبت جنسی بازازدواج به صورت حاصل تقسیم تعداد ازدواج‌های مردان با مرتبه اول ازدواج دوم و بیشتر با زنان در اولین تجربه ازدواج بر ازدواج‌های زنان با مرتبه اول ازدواج دوم و بیشتر با مردان در اولین مرتبه ازدواج که در ۱۰۰ ضرب می‌شود، تعریف و محاسبه می‌گردد.



در نهایت می‌توان گفت؛ که تشکیل دوباره خانواده به‌رغم اینکه به احیای نهاد خانواده و تحقق کارکردهای آن و جلوگیری از رشد گروه‌های اجتماعی با احتمال آسیب‌پذیری بالاتر از قبیل زنان سرپرست خانوار و فرزندان آنان کمک می‌کند، اما با چالش‌هایی روبه‌رو است که سیاستگذاران باید در میزان و چگونگی حمایت از آن توجه کافی را داشته باشند.

**وضعیت مجرد:** در بررسی وضعیت جوانان مجرد در جامعه و چالش‌های ناظر به مجرد آنها متغیرهای متعددی قابل‌رصد است، اما طول عمر مجرد افراد در سن ازدواج که ارتباط مستقیم با سن ازدواج در جامعه دارد، روابط با جنس مخالف در دوران مجرد و چگونگی این روابط و سبک هم‌زیستی افراد مجرد (همراه با خانواده و مستقل از خانواده) از مهم‌ترین متغیرهاست که در هر کدام این موارد تمایز جنسیتی نیز دارای اهمیت است و تبیین متفاوتی را ارائه خواهد داد. دریافت دقیق از وضعیت موجود، تعیین‌کننده سبک زندگی آینده این افراد، وضعیت خانواده در آینده جامعه و همچنین وضعیت کلان اجتماعی دارد. لذا در ابتدا، وضعیت آماری جامعه مورد نظر مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه ارتباط آن با متغیرهای ذکر شده واکاوی می‌گردد.

**جمعیت جوان مجرد:** با توجه به ویژگی‌های خاص هر دوره سنی و به‌طور خاص دوره سنی جوانی یکی از تبیین‌های موجود در مورد میزان کاهش نرخ ازدواج در کشور، کاهش جمعیت جوان می‌باشد. چراکه براساس داده‌های سازمان ثبت احوال کشور، نسبت جوانی جمعیت از سال ۱۳۷۰ به بعد با کاهش قابل‌توجهی روبه‌رو بوده است.

جدول ۶. نسبت جوانی جمعیت کل کشور (شاخص ورت‌هایم) به تفکیک نقاط شهری و روستایی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
کل	۴۲/۱۷	۴۶/۰۹	۴۴/۵۳	۴۵/۴۵	۴۴/۲۹	۳۹/۵۱	۲۵/۱	۲۳/۴	۲۴
نقاط شهری	۴۰/۲۵	۴۴/۱	۴۰/۹۸	۴۲/۸۳	۴۲/۲۹	۳۷/۵۵	۲۳/۷	۲۲/۳	۲۳
نقاط روستایی	۴۳/۰۶	۴۷/۳	۴۷/۶۸	۴۸/۵۷	۴۶/۹۲	۴۲/۵۸	۲۸/۱	۲۶/۱	۲۶/۹

مأخذ: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ الی ۱۳۹۵ و آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰.

نسبت جوانی جمعیت با استفاده از فرمول ورت‌هایم<sup>۱</sup> به دست می‌آید و به نسبت افراد در گروه سنی کمتر از ۱۵ سال به کل جمعیت اطلاق می‌شود که اگر بیشتر از ۴۰ باشد به معنای جوانی جمعیت کشور بوده و اگر زیر ۴۰ باشد نشان‌دهنده فاصله گرفتن تناسب جمعیتی جامعه از دوره جوانی است. براساس جدول فوق از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۹۵، نسبت جوانی جمعیت با کاهش حدود ۹۸ درصد روبه‌رو بوده است. به عبارتی، نوعی رصد آینده جمعیتی در این شاخص نهفته است که نشان می‌دهد در آینده وضعیت جوانی جمعیت کشور به چه صورت خواهد بود.

لذا با توجه به کاهش شاخص جوانی جمعیت می‌توان گفت در آینده نه‌چندان دور که افراد زیر ۱۵ سال به سن جوانی می‌رسند، به دلیل کاهش جمعیت جوان کشور، کاهش نرخ ازدواج نیز ادامه‌دار خواهد بود. اما باید نسبت نرخ ازدواج به جمعیت در سن ازدواج را مورد بررسی قرار داد و نرخ خام ازدواج امکان تبیین‌گری درست وضعیت تشکیل خانواده در جامعه را ندارد.

از سوی دیگر نسبت جمعیت جوان در سن ازدواج به کل جمعیت نیز از سال ۱۳۸۵ با کاهش روبه‌رو بوده است.

$$.۱ \sum_0^{14} P \geq 40\% \sum_0^w P$$

### جدول ۷. نسبت جمعیت جوان به جمعیت کل کشور

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
کل	۳۰/۷	۲۸/۴	۳۰/۳	۳۲/۳	۳۲/۹	۳۵	۴۳/۲۸	۴۰/۸	۳۵/۸۵

مأخذ: سازمان ثبت احوال کشور.<sup>۱</sup>

به عبارتی این استنباط وجود دارد که ازدواج صرفاً به واسطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با افول روبه‌رو نبوده بلکه جمعیت جوان در سن ازدواج نیز کاهش پیدا کرده و به تبع آن میزان ازدواج‌ها نیز روند کاهشی داشته است. بر این اساس نسبت ازدواج‌های ثبت شده به جمعیت جوان کشور می‌تواند توضیح‌دهنده این فرض باشد.<sup>۲</sup>

لازم به توضیح است داده‌های آماری مستخرج از سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران تا سال ۱۳۹۵ احصا و منتشر شده و برای رصد تحولات سال‌های پس از آن ابتدا به داده‌های سازمان ثبت احوال رجوع شد اما با توجه به اینکه داده‌های سازمان ثبت در سال ۱۴۰۱، اختلاف بالایی با داده‌های سال‌های قبل داشته و احتمال خطا در روندسنجی را افزایش می‌دهد، جهت افزایش اعتبار داده‌های مورد استفاده در گزارش، در برخی از شاخص‌ها از داده‌های گزارش‌های دیگر، از جمله برآوردهای مرکز آمار ایران و یا مراکز تحقیقاتی دیگر از جمله مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور استفاده شد. به عبارتی منابع احصای داده‌ها متفاوت بوده و تشتت در داده‌ها نیز دیده می‌شود و این تشتت داده‌ای امکان تحلیل تحولات رخدادهای جمعیتی را با چالش روبه‌رو می‌کند.

### جدول ۸. نسبت افراد ازدواج کرده به جمعیت جوان و جمعیت کل کشور

سال	جمعیت کشور	جمعیت جوان	تعداد ازدواج‌ها	نرخ ازدواج‌ها ۲× به جمعیت کل (درصد)	نرخ ازدواج‌ها ۲× به جمعیت جوان (درصد)
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۱۵۹۶۶۲۰۶	۳۴۰۳۴۲	۱/۳۷	۴/۲
۱۳۷۰	۵۵۸۳۷۱۶۳	۱۸۳۶۵،۶۶۱	۴۴۸۸۵۱	۱/۶	۴/۸
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۲۱۰۲۶۷۴۹	۴۷۹۲۶۳	۱/۵۸	۴/۶
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۳۰۵۱۶۶۶۶	۷۷۸۲۹۱	۲/۲	۵
۱۳۹۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۳۰۶۶۶۱۱۸	۸۷۴۷۹۲	۲/۳۲	۵/۶
۱۳۹۵	۷۹۹۲۶۲۷۰	۲۸۶۵۳۹۲۲	۶۷۰۴۸۵	۱/۶۶	۴/۶
۱۴۰۱	سازمان ثبت احوال	۸۷۷۵۱۶۹۱	۵۲۴۱۳۹	۱/۱۹	۴/۴
	برآورد مرکز آمار	۱۸۳۶۴۶۷۶۳	۲۱۲۴۷۷۲۳	۱/۲۵	۴/۹
درصد رشد با داده سازمان ثبت احوال	۷۷/۴	۴۷/۹	۵۴	-۱۳/۱	۴/۷
درصد رشد با داده برآورد مرکز آمار	۶۹/۱۷	۳۳/۰۷	۵۴	-۸/۷	۱۶/۶

مأخذ: سالنامه‌های مرکز آمار ایران و پاسخ نامه ارسالی از سوی سازمان ثبت احوال کشور به شماره نامه ۱۴۰۲/۹۹۱۹۹۶ در تاریخ ۱۴۰۲/۷/۲۳ و محاسبات محقق بر اساس داده‌های خام طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار در سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۸۴.

۱. مرکز آمار ایران سن جوانی را ۲۴-۱۵ سال تعریف کرده است، اما شورای عالی جوانان کشور که جوانی را ۲۹-۱۵ سال تعریف کرده بود در سال ۱۳۹۸ سن جوانی را ۳۵-۱۸ سال بیان کرده است. در گزارش پیش‌رو که نسبت ازدواج به سن جوانی حائز اهمیت می‌باشد، با توجه به امکان ازدواج جوانان زیر ۱۸ سال و بالا بودن آمار ازدواج افراد ۱۹-۱۵ سال سن جوانی را ۳۵-۱۵ سال در نظر گرفته تا نسبت به دست آمده خطای کمتری داشته باشد. البته باید نسبت به تغییر تعریف سن گروه جوانان با توجه به مستندات دینی و علمی و تحولات اجتماعی تصمیم واحدی اتخاذ شود.  
۲. لازم به توضیح است در مورد جمعیت کل امکان احصای داده از چند مأخذ وجود داشت، اما از مأخذی استفاده شده که امکان احصای داده جمعیت جوان از همان منبع نیز وجود داشته باشد. نکته دیگر این که بین داده‌های سازمان ثبت احوال و داده‌های برآوردی مرکز آمار تفاوت قابل توجهی وجود دارد و این تفاوت، تمایز در تحلیل را به همراه دارد. اما تلاش شد هر دو داده در تحلیل مورد بررسی قرار گیرد.



بر اساس جدول فوق نتایج تحولات جمعیتی به تفکیک داده‌های مرکز آمار و ثبت احوال از سال ۱۳۶۵ تا ۱۴۰۱ روند یکسانی را طی کرده است با این تفاوت که شتاب تحولات متفاوت بوده است. به گونه‌ای که تعداد افراد ازدواج کرده نسبت به جمعیت کل کاهش داشته و نسبت به جمعیت جوان با رشد روبه‌رو بوده است.

البته تغییرات بازه زمانی ۱۴۰۱-۱۳۹۰ با دو داده متفاوت، شرایط اجتماعی و تحلیل متفاوتی را به دنبال دارد. به گونه‌ای که نسبت افراد ازدواج کرده به جمعیت جوان در این بازه بر اساس داده‌های سازمان ثبت احوال کاهش اما بر اساس برآورد مرکز آمار افزایش داشته است.

اما نکته مهم این است که با در نظر گرفتن جمعیت جوان (افراد ۱۸-۳۵ سال) افراد مجرد بالای این سن در شمار محاسبه و تحلیل وضعیت اجتماعی افراد بدون همسر در نظر گرفته نمی‌شوند و صرفاً می‌توان تحلیلی روندی از وضعیت ازدواج را ارائه داد. لذا با توجه به اینکه بخشی از این جمعیت جوان متأهل هستند، نسبت افراد ازدواج کرده به افراد هرگز ازدواج نکرده تصویر بهتری از روند کاهش یا افزایش افراد هرگز ازدواج نکرده و مجرد جامعه به دست خواهد داد.

جدول ۹. وضعیت افراد هرگز ازدواج نکرده نسبت به جمعیت جوان و جمعیت کل کشور

سال	جمعیت کشور	جمعیت جوان	تعداد ازدواج‌ها	افراد هرگز ازدواج نکرده			نرخ هرگز ازدواج نکرده‌ها به هرگز ازدواج کرده‌ها (درصد)	نرخ هرگز ازدواج نکرده‌ها به جمعیت کل جوان (درصد)	نرخ ازدواج ۲× به هرگز ازدواج نکرده‌ها (درصد)								
				مرد	زن	جمع											
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۱۵۹۶۶۲۰۶	۳۴۰۳۴۲	۷۰۱۱۵۲۶	۵۱۲۷۷۴۹	۱۲۱۳۹۲۷۵	۷۶	۲۴/۵	۵/۶								
۱۳۷۰	۵۵۸۳۷۱۶۳	۱۸۳۶۵۶۶۱	۴۴۸۸۵۱	۹۱۰۶۰۱۹	۶۸۳۳۴۶۳	۱۵۹۳۹۴۸۲	۸۶/۷	۲۸/۵	۵/۶								
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۲۱۰۲۶۷۴۹	۴۷۹۲۶۳	۱۰۸۳۳۷۳۰	۸۸۴۸۶۴۸	۱۹۶۸۲۳۷۸	۹۳/۶	۳۲/۷	۴/۸								
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۳۰۵۱۶۶۶۶	۷۷۸۲۹۱	۱۳۱۳۰۹۷۰	۱۰۳۶۹۸۹۳	۲۳۵۰۰۸۶۳	۷۷	۳۳/۳	۶/۶								
۱۳۹۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۳۰۶۶۶۱۱۸	۸۷۴۷۲۹	۱۲۰۹۸۳۰۳	۹۴۸۳۲۲۴	۲۱۵۸۱۵۲۷	۷۰/۳	۲۸/۷	۸								
۱۳۹۵	۷۹۹۲۶۲۷۰	۲۸۶۵۳۹۲۲	۶۷۰۴۸۵	۱۱۵۵۷۸۳۷	۸۵۹۶۷۸۹	۲۰۱۵۴۶۲۶	۷۰/۳	۲۵/۲	۶/۶								
۱۴۰۱	۸۷۷۵۱۶۹۱	۲۳۶۲۵۲۵۵	۵۲۴۱۳۹	۱۳۴۷۷۴۸۳	۱۰۲۵۶۶۴۱	۲۳۷۳۴۱۲۴	۱۰۰/۴	۲۷	۴/۴	سازمان ثبت احوال							
	۸۳۶۴۶۷۶۳	۲۱۲۴۷۷۲۳	۵۲۴۱۳۹	۹۵۶۲۰۱۴	۶۴۷۶۳۱۵	۱۶۰۳۸۳۲۹	۷۵/۴۸	۱۸/۹	۶/۵	برآورد مرکز آمار							
درصد رشد با داده سازمان ثبت احوال									۷۷/۴	۴۷/۹	۵۴	۹۲/۲	۱۰۰	۹۵/۵	۳۲/۱	۱۰/۲	-۲۱/۴
درصد رشد با داده برآورد مرکز آمار									۶۹/۱۷	۳۳/۰۷	۵۴	۳۵/۹	۲۶/۲	۳۲/۱	-۰/۶	-۲۲/۸	۱۶/۰۷

مأخذ: همان.

براساس جدول فوق، تحولات افراد هرگز ازدواج نکرده تا سال ۱۳۹۵ به گونه‌ای است که رشد حدود ۶۶ درصدی را نسبت به سال ۱۳۶۵ نشان می‌دهد. استفاده از داده‌های سازمان ثبت احوال و داده‌های طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار در سال ۱۴۰۱ نشان‌دهنده تفاوت در میزان رشد این شاخص آماری است. به گونه‌ای که داده‌های ثبت احوال رشد حدود ۹۵ درصدی افراد هرگز ازدواج نکرده و داده‌های مرکز آمار رشد حدود ۳۲ درصدی را نشان می‌دهد. که البته روند تحولات با احتساب داده‌های مرکز آمار در سال ۱۴۰۱ از سال ۱۳۸۵ به بعد کاهش یافته بوده اما براساس داده‌های ثبت احوال از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ روند افزایشی را طی کرده است.

براساس بررسی‌های انجام شده به دلیل ثبت دیر هنگام ازدواج‌ها و یا عدم ثبت ازدواج‌هایی که در سال‌های بسیار دور انجام گرفته، آمار افراد هرگز ازدواج نکرده براساس پاسخ دریافتی از سازمان ثبت احوال کشور<sup>۱</sup> به خصوص در سنین بالا با رشد چشمگیری روبه‌رو بوده که با روند داده‌های سالنامه‌های آماری همخوانی ندارد. لذا به نظر می‌رسد برآوردهای مرکز آمار نزدیک‌تر به واقع و روند تغییرات جمعیتی باشد.

البته باید به این نکته توجه داشت که تفاوت در داده‌های معرف وضعیت جامعه، منجر به تفاوت در تحلیل وضعیت جمعیتی کشور و به تبع آن تفاوت در سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی اتخاذی خواهد شد. لذا تدقیق داده‌های آماری از اولویت‌های هر گونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی عملیاتی است. به گونه‌ای که شاخص نسبت افراد ازدواج کرده به افراد هرگز ازدواج نکرده در طول ۳۶ سال براساس داده‌های ثبت احوال حدود ۲۱ درصد کاهش داشته و براساس داده‌های مرکز آمار حدود ۱۶ درصد رشد داشته است.

از سوی دیگر نرخ هرگز ازدواج نکرده‌ها به افراد جوان نیز براساس داده ثبت احوال با رشد حدود ۳۲ درصد روبه‌رو بوده اما براساس داده مرکز آمار رشد منفی داشته است.

نکته بسیار مهم این است که براساس داده سازمان ثبت احوال در سال ۱۴۰۱ برای اولین بار فراوانی افراد هرگز ازدواج نکرده از جمعیت جوان پیشی گرفته است و به این معناست که افراد هرگز ازدواج نکرده از دایره جوانی خارج شده‌اند و ازدواج این افراد کارکرد بهینه خانواده را به همراه نخواهد داشت. البته این نسبت براساس برآورد مرکز آمار متفاوت بیان شده و به نظر می‌رسد برآورد مرکز آمار دقیق‌تر باشد.

البته در اسناد آماری تدوین شده، ثبت آمار افراد هرگز ازدواج نکرده، از سن ۱۰ سال تا ۶۰ سال در نظر گرفته شده، در صورتی که آمار معنادار در این رابطه، آمار افراد ازدواج نکرده در سن مطلوب ازدواج است. به عبارتی، ازدواج افراد ۱۰ تا ۱۵ سال و یا بالای ۵۰ سال مطلوب موضوع تشکیل خانواده نیست. از این رو می‌توان گفت؛ که نرخ افراد مجرد در سن ازدواج کمتر از کل هرگز ازدواج نکرده‌هاست. به گونه‌ای که براساس جدول فوق در سال ۱۴۰۱ (داده سازمان ثبت احوال)، معادل حدود ۱۰۰ درصد جمعیت جوان، افراد هرگز ازدواج نکرده در جامعه وجود دارد، اما براساس جدول زیر، معادل حدود ۶۶ درصد از جامعه جوان را افراد هرگز ازدواج نکرده در سن ازدواج تشکیل می‌دهند. این گزاره به روشن‌سازی تصویر موجود از وضعیت جامعه در حوزه ازدواج کمک می‌کند و از سیاه‌نمایی مضاعف جلوگیری می‌کند.

نکته دیگر در مورد جدول فوق این است که نسبت افراد ازدواج کرده به افراد هرگز ازدواج نکرده تا سال ۱۳۹۰ روند رو به رشد داشته اما در دهه ۹۰ با روند کاهش روبه‌رو بوده و در سال ۱۴۰۱ به پایین‌ترین میزان خود رسیده است. نکته قابل توجه این است که علی‌رغم تفاوت در روند احصای داده افراد هرگز ازدواج نکرده از سوی دو متولی متفاوت آماری (براساس برآورد مرکز آمار روند افراد هرگز ازدواج نکرده از ابتدای دهه ۹۰ تا سال ۱۴۰۱ کاهش حدود ۲۵ درصدی داشته اما براساس داده‌های سازمان ثبت احوال با رشد حدود ۱۰ درصد روبه‌رو بوده است). با توجه به شتاب بیشتر کاهش نرخ ازدواج و افراد ازدواج کرده در این بازه زمانی می‌توان گفت کاهش نسبت افراد ازدواج کرده به افراد هرگز ازدواج نکرده بیش از آنکه متأثر از تغییرات افراد هرگز ازدواج نکرده باشد، از کاهش ازدواج‌ها اثر می‌گیرد.

برای بررسی سیر تغییرات نرخ افراد مجرد، با توجه به الگوی ازدواج در جامعه، برای مردان سن ۵۰-۱۵ سال و برای زنان ۴۵-۱۵ سال در نظر گرفته شده است.

۱. پاسخ نامه ارسالی از سوی سازمان ثبت احوال کشور به شماره نامه ۱۴۰۲/۹۹۱۹۹۶ در تاریخ ۱۴۰۲/۲/۲۳.



جدول ۱۰. تغییرات نرخ زنان و مردان مجرد در سن ازدواج

نسبت هرگز ازدواج نکرده‌ها در سنین تعریف شده به جمعیت جوان کشور (درصد)	نسبت هرگز ازدواج نکرده‌ها در سنین تعریف شده به جمعیت کل کشور (درصد)	افراد هرگز ازدواج نکرده در سن ازدواج			سال
		جمع	زنان ۱۵-۴۵ سال	مردان ۱۵-۵۰ سال	
۵۰/۴	۲۱/۸	۱۵۳۸۳۹۲۰	۷۱۰۸۶۸۱	۸۲۷۵۲۳۹	۱۳۸۵
۴۷/۹	۱۹/۵	۱۴۶۹۳۷۸۵	۶۵۸۶۴۸۵	۸۱۰۷۳۰۰	۱۳۹۰
۴۶/۹	۱۶/۸	۱۳۴۵۳۴۸۹	۵۶۱۱۵۱۵	۷۸۴۱۹۷۴	۱۳۹۵
۶۶/۶	۱۷/۹	۱۵۷۴۸۵۳۰	۶۰۹۶۳۰۰	۹۶۵۲۲۳۰	سازمان ثبت احوال
۷۳/۳	۱۸/۶	۱۵۵۸۱۱۷۲	۶۱۲۷۴۰۹	۹۴۵۳۷۶۳	برآورد مرکز آمار
۳۲/۱۴	-۱۷/۸	۲/۴	-۱۴/۲	۱۶/۶	درصد رشد با داده سازمان ثبت احوال
۴۵/۴	-۱۴/۶	۱/۲۸	-۱۳/۸	۱۴/۲	درصد رشد با داده برآورد مرکز آمار

مأخذ: همان.

باید به این نکته توجه داشت که چگونگی استفاده از داده‌های اعلامی و تحلیل آنها در تبیین وضعیت جامعه حائز اهمیت است و امکان ارائه تحلیل متفاوت با استفاده از یک داده وجود دارد. به عنوان نمونه اگر در جدول فوق با توجه به اینکه مردان کمتر در سنین زیر ۲۰ سال ازدواج می‌کنند، سن سنجش افراد هرگز ازدواج نکرده در سن ازدواج برای مردان ۲۰-۵۰ سال در نظر گرفته شود، آمار کمتری از افراد هرگز ازدواج نکرده در سن ازدواج مردان به دست می‌آید و در نتیجه درصد این گروه در نسبت با جمعیت کل کشور و جمعیت جوان کمتر خواهد بود. نکته دیگر اینکه بررسی وضعیت زیست‌تجدیدی در راستای تبیین وضعیت خانواده و با رویکرد بهبود وضعیت تشکیل و استحکام خانواده، نیازمند بررسی وضعیت کل جامعه آماری افراد بدون همسر است. در صورتی که براساس یک خطای متداول وقتی در مورد نرخ افراد مجرد در جامعه بررسی انجام می‌شود، به داده افراد هرگز ازدواج نکرده استناد می‌گردد. به عبارتی، صرف بررسی افراد هرگز ازدواج نکرده نمی‌توان وضعیت خانواده و ازدواج را مورد بررسی قرار داد. چراکه با توجه به اهمیت بازازدواج از حیث تشکیل خانواده کامل، بررسی جامعه آماری افرادی که به دلیل فوت همسر یا طلاق خانواده کامل ندارند؛ از ضروریات است. بررسی آمار شاخص افراد بدون همسر در تبیین نرخ واقعی مجرد و همچنین جامعه آماری که امکان بازازدواج دارند کمک‌کننده خواهد بود. براساس جدول زیر نرخ افراد بدون همسر از دهه ۹۰ رشد قابل توجهی داشته است.

جدول ۱۱. نرخ افراد بدون همسر و نسبت آن با افراد هرگز ازدواج نکرده

افراد بدون همسر نسبت به هرگز ازدواج نکرده‌ها <sup>۱</sup> (درصد)	جمع	بی‌همسر (زن)		بی‌همسر (مرد)		سال
		به‌دلیل طلاق	به‌دلیل فوت	به‌دلیل طلاق	به‌دلیل فوت	
۱۲/۴	۱۵۰۶۱۵۱	۱۰۳۱۹۴	۱۱۲۳۰۸۴	۶۱۶۷۲	۲۱۸۲۰۱	۱۳۶۵
۹/۵	۱۵۱۲۲۱۱	۸۲۰۱۴	۱۱۰۷۴۷۵	۵۰۲۱۳	۲۷۲۵۰۹	۱۳۷۰
۸/۸	۱۷۴۴۷۵۵	۱۱۰۸۵۰	۱۳۴۴۶۲۲	۵۵۹۷۷	۲۳۳۳۰۶	۱۳۷۵
۱۱	۲۵۸۱۸۴۴	۲۵۲۲۸۸	۱۸۹۱۱۷۱	۱۳۹۷۸۷	۲۹۸۵۹۸	۱۳۸۵
۱۵/۳	۳۳۰۹۱۰۹	۴۴۲۸۶۳	۲۳۱۹۹۹۷	۲۱۳۹۸۹	۳۳۲۲۶۰	۱۳۹۰
۱۹	۳۸۳۹۸۸۴	۷۱۲۷۸۲	۲۳۹۸۹۸۷	۳۹۹۰۸۴	۳۲۹۰۳۱	۱۳۹۵
۲۲/۵	۵۳۴۵۹۱۵	۱۵۱۳۲۶۳	۲۲۲۸۶۵۷	۱۲۵۰۲۴۳	۳۵۳۷۵۲	سازمان ثبت احوال
۲۸/۵	۴۵۷۴۱۷۰	۷۱۱۲۰۸	۲۹۹۷۳۰۸	۴۱۱۶۵۶	۴۵۳۹۹۸	برآورد مرکز آمار

مأخذ: همان.

در جدول فوق براساس داده‌های سازمان ثبت احوال و برآوردهای مرکز آمار ایران نسبت افراد بدون همسر به افراد هرگز ازدواج نکرده رشد داشته است. هرچند این رشد متفاوت بوده و برآورد مرکز آمار رشد بیشتری را نشان می‌دهد. البته تغییر قابل توجه در این جدول رشد بالای افراد بدون همسر در اثر طلاق (براساس داده ثبت احوال) می‌باشد که با توجه به روند افزایشی بازازدواج‌ها، احتمال صحت این داده محل سؤال است و باید در استفاده از آن جانب احتیاط را رعایت کرد. لذا داده‌های فوق تبیین‌کننده آینده‌ای است که در آن به‌طور طبیعی تعداد بازازدواج‌ها افزایش پیدا خواهد کرد و همچنین راهبرد مداخله‌ای نیز باید از تشکیل خانواده مجدد، بعد از طلاق یا فوت همسر استقبال کند. از سوی دیگر، آمار تجرد قطعی نیز معرف گروه دیگری از افراد هستند که احتمال ازدواج آنها بسیار پایین است و طبق تعاریف جمعیتی سن ۵۰ سال به‌عنوان سن تجرد قطعی به حساب می‌آید. البته به‌نظر می‌رسد این شاخص نیز براساس فرهنگ مناطق، الگوی ازدواج و دیگر متغیرها متفاوت است. به‌گونه‌ای که ممکن است در برخی مناطق جغرافیایی ایران عبور سن دختر از ۳۰ سال به‌منزله رسیدن به سن تجرد قطعی باشد و یا به‌دلیل افزایش میانگین سن ازدواج، احتمال ازدواج در سنین بالاتر نیز افزایش پیدا کرده و سن تجرد قطعی نیز افزایش یابد. لذا به‌نظر می‌رسد این شاخص نیز نیاز به بازنگری دارد. با این حال، با توجه به تعیین سن ۵۰ سالگی به‌عنوان سن تجرد قطعی وضعیت تجرد قطعی در ایران به‌شرح ذیل است.

۱. فراوانی افراد هرگز ازدواج نکرده از جدول ۹ مستخرج شده است.  
۲. داده‌های این سال از دو منبع اطلاعاتی «پاسخ‌نامه سازمان ثبت احوال کشور به شماره نامه ۱۴۰۲/۹۹۱۹۹۶ در تاریخ ۱۴۰۲/۷/۲۳» و «محاسبات محقق بر اساس داده‌های خام طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار در سال‌های ۱۳۸۴-۱۴۰۱» استخراج شده است.



جدول ۱۲. نرخ تجرد قطعی در کشور

نسبت افراد مجرد قطعی به افراد هرگز ازدواج نکرده (درصد)	جمع	پسران مجرد قطعی	دختران مجرد قطعی	سال	
۰/۴	۹۶۷۲۶	۴۳۴۰۳	۵۳۳۲۳	۱۳۸۵	
۰/۷	۱۵۲۰۷۷	۶۲۴۶۲	۸۹۶۱۵	۱۳۹۰	
۱	۲۱۹۴۳۶	۸۱۷۱۱	۱۳۷۷۲۵	۱۳۹۵	
۴/۴	۱۰۶۰۳۸۱	۳۸۲۷۹۳	۶۷۷۵۸۸	سازمان ثبت احوال	۱۴۰۱
۱/۹۳	۳۱۰۱۲۶	۱۰۸۲۵۱	۲۰۱۸۷۵	برآورد مرکز آمار	
۱۰۰۰	۹۹۶	۷۸۱	۱۱۷۰	درصد رشد با داده سازمان ثبت احوال	درصد رشد
۳۸۲/۵	۲۲۰/۶	۱۴۹/۴	۲۷۸/۵	درصد رشد با داده برآورد مرکز آمار	

مأخذ: همان.

براساس جدول فوق بالحاظ هر یک از داده‌های سازمان ثبت احوال و برآورد مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۱، درصد افرادی که به سن تجرد قطعی رسیده‌اند نسبت به افراد هرگز ازدواج نکرده با رشد قابل توجهی روبه‌رو بوده و تجرد قطعی دختران حدوداً بالای ۶۰ درصد از افراد مجرد قطعی را به خود اختصاص داده است.

«تا دهه ۱۳۴۰ حدود ۸۵ درصد از زنان تا پیش از ۲۵ سالگی و تا پیش از دهه ۱۳۸۰ حدود ۹۹ درصد (یعنی عمومیت تقریباً کامل) از آنان تا ۵۰ سالگی ازدواج می‌کردند. اکنون (۱۳۹۵) با کاهش کمی که در میانگین سن ازدواج زنان رخ داده، نسبت آنان که تا ۲۵ سالگی ازدواج کرده‌اند به حدود ۵۵ درصد رسیده و نسبت زنان ازدواج کرده تا ۵۰ سالگی به حدود ۹۶ درصد کاهش یافته است.»

براساس گزارش سازمان ثبت احوال کشور<sup>۱</sup> حدود ۹۲۲ هزار زن مجرد بالای ۴۵ سال و حدود ۶۷۸ هزار نفر زن مجرد بالای ۵۰ سال وجود دارد. در مورد مردان وضعیت متفاوت‌تر است؛ به‌گونه‌ای که مردان مجرد بالای ۴۵ سال حدود ۵۶۴ هزار نفر و بالای ۵۰ سال حدود ۳۸۳ هزار نفر ثبت شده‌اند. به عبارتی می‌توان گفت؛ به‌رغم کمتر بودن زنان هرگز ازدواج نکرده زیر ۴۵ سال از مردان هرگز ازدواج نکرده زیر ۵۰ سال، زنان بالای ۴۵ سال حدود ۲/۵ برابر بیشتر از مردان بالای ۵۰ سال می‌باشند. لذا می‌توان گفت؛ بخشی از مردان بالای ۵۰ سال به دلیل تمایل به جوان همسری با زنان کمتر از ۴۵ سال ازدواج می‌کنند و گروهی از زنان که به‌نوعی هم‌سالان این گروه مردان هستند به تجرد قطعی می‌رسند. از سوی دیگر، نسبت جنسی هم‌سالان زیر ۴۵ سال نیز به دلیل ازدواج بخشی از دختران زیر ۴۵ سال با پسران بالای ۵۰ سال به هم خورده و تداوم چرخه ازدواج با فاصله سنی بالاتر منجر به ایجاد چالش‌هایی در زندگی زناشویی می‌شود. به‌طور کلی نمایی از وضعیت افراد مجرد در کشور به شرح ذیل است.

۱. براساس نامه دریافتی از سازمان ثبت احوال کشور به شماره نامه ۱۴۰۲/۹۹۱۹۹۶ در تاریخ ۱۴۰۲/۷/۲۳.

جدول ۱۳. وضعیت کلی افراد بدون همسر از سال ۱۴۰۱-۱۳۸۵

سال	افراد هرگز ازدواج نکرده سال ۱۵-۵۰		افراد مجرد قطعی		افراد بدون همسر در اثر طلاق		افراد بدون همسر در اثر فوت		جمع افراد بدون همسر در جامعه
	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	
۱۳۸۵	۸۲۷۵۲۳۹	۷۱۴۶۷۹۱	۴۳۴۰۳	۵۳۳۲۳	۱۳۹۷۸۷	۲۵۲۲۸۸	۲۹۸۵۹۸	۱۸۱۰۰۶۰۰	
۱۳۹۰	۸۱۰۷۳۰۰	۶۶۵۵۰۷۸	۶۲۴۶۲	۸۹۶۱۵	۲۱۳۹۸۹	۴۴۲۸۶۳	۳۳۲۲۶۰	۱۸۲۲۳۵۶۴	
۱۳۹۵	۷۸۴۱۹۷۴	۵۷۱۶۳۳۰	۸۱۷۱۱	۱۳۷۷۲۵	۳۹۹۰۸۴	۷۱۲۷۸۲	۳۲۹۰۳۱	۱۷۶۱۷۶۲۴	
۱۴۰۱	۹۶۵۲۲۳۰	۶۳۴۰۵۷۵	۳۸۲۷۹۳	۶۷۷۵۸۸	۱۲۵۰۲۴۳	۱۵۱۳۲۶۳	۳۵۳۷۵۲	۲۲۳۹۹۱۰۱	
	۹۴۵۳۷۶۳	۶۲۷۴۴۴۰	۱۰۸۲۵۱	۲۰۱۸۷۵	۴۱۱۶۵۶	۷۱۱۲۰۸	۴۵۳۹۹۸	۲۰۶۱۲۴۹۹	
درصد رشد با داده سازمان ثبت احوال	۱۶/۶	-۱۱/۲	۷۸۱/۹	۱۱۷۰/۷	۷۹۴/۳	۴۹۹/۸	۱۸/۴	۲۳/۷	
درصد رشد با داده برآورد مرکز آمار	۱۴/۲	-۱۲/۲	۱۴۹/۴	۲۷۸/۵	۱۹۴/۵	۱۸۱/۹	۵۲	۱۳/۸	

مأخذ: همان.

یکی از شاخص‌های مهم سنجش وضعیت خانواده در جامعه نرخ افراد بدون همسر در جامعه می‌باشد و این شاخص باید مورد رصد مستمر قرار بگیرد. با توجه به رشد جمعیت، برای اینکه میزان مجردین در جامعه ثابت بماند باید نرخ ازدواج رشد صعودی پیدا کند. لذا مسئله ازدواج از این منظر بحرانی و قابل رسیدگی است؛ چراکه مجرد ماندن افراد در سن ازدواج آسیب‌هایی دارد که جامعه و خانواده را تحت الشعاع قرار می‌دهد. براساس جدول فوق مجموع افراد بدون همسر (مجرد قطعی، هرگز ازدواج نکرده ۵۰-۱۵ سال، بدون همسر در اثر طلاق یا فوت همسر) طی حدود ۱۵ سال با رشد (براساس داده ثبت احوال رشد حدود ۲۴ درصدی و براساس برآورد مرکز آمار رشد حدود ۱۴ درصدی) روبه‌رو بوده است.

باید به این نکته توجه داشت که هنوز گروه سنی متولد دهه ۶۰ وارد بازه تجرد قطعی نشده‌اند و در سن ازدواج قرار دارند. با این ملاحظه رشد آمار تجرد قطعی را نمی‌توان به دوره جمعیتی دهه ۶۰ مرتبط دانست و البته زمان محدود متولدین این دهه را باید با تسهیل بسترهای قانونی به فرصت فرهنگی و اجتماعی در تشکیل خانواده تبدیل نمود.

نکته دیگر این که به رغم رشد کلیه شاخص‌های جدول فوق، فراوانی زنان هرگز ازدواج نکرده ۵۰-۱۵ سال رشد منفی را ثبت کرده و این در کنار افزایش مردان هرگز ازدواج نکرده در این بازه سنی به معنای رفع مزیقه ازدواج دختران با فرض ازدواج‌های هم‌سال (یا با اختلاف سن کم) است. البته در راستای تحقق این مهم باید الگوی ازدواج با اختلاف سنی بالای زوجین (زوج خیلی بزرگ‌تر) کنترل شود. چرا که رواج این الگو تناسب جنسی سنی را به هم زده و مزیقه ازدواج در گروه‌های سنی ایجاد می‌کند.



### ۳. نگرش مردم در مورد ارزش‌های ازدواج

بررسی ارزش‌های مرتبط با ازدواج نه تنها تغییرات شکلی و ساختاری ازدواج را تبیین می‌کند؛ بلکه تغییرات رخ داده در حوزه کیفیت خانواده و تحقق اهداف خانواده را نیز پشتیبانی می‌کند. در این گزارش تلاش شده نگرش جامعه نسبت به ضرورت ازدواج، سن مناسب ازدواج، ملاک‌های انتخاب همسر و جایگاه خانواده در انتخاب همسر مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۳-۱. نگرش مردم در مورد ضرورت ازدواج

اولین مسئله در مورد ازدواج نگرش جوانان نسبت به اصل ازدواج است. به عبارتی، شاخص‌های دیگر از قبیل نگرش نسبت به سن مناسب ازدواج و یا ملاک‌های انتخاب همسر و چگونگی ساختار خانواده در مراحل بعد از پذیرش اصل تشکیل خانواده قرار دارند. لذا باید در مرحله اول مشخص کرد که چند درصد از جامعه ازدواج کردن را به عنوان ابزار تشکیل خانواده ضروری می‌داند تا در مراحل بعد به چگونگی آن پرداخته شود. پژوهش‌های انجام شده در حوزه ازدواج کمتر به این موضوع پرداخته‌اند و با فرض پذیرش ضرورت ازدواج وارد گام دوم، یعنی چگونگی ازدواج، شده‌اند. لذا در این بُعد داده‌های کمتری نسبت به دیگر ابعاد وجود دارد. در یکی از پژوهش‌هایی که در سال ۱۳۹۴ [۱۳] به این موضوع پرداخته است، حدود ۷۰ درصد از جوانان در بازه سنی ۳۴-۱۸ به ضرورت ازدواج اعتقاد داشتند که از این میان پسران سهم بیشتری از دختران دارند. به عبارتی، دوسوم از جوانان که در مرحله انتخاب مسیر رفع نیازهای ضروری خود قرار دارند، تشکیل خانواده رسمی را یک ضرورت می‌دانند. اما نکته قابل توجه در این پژوهش تأیید رابطه معکوس سن و احساس ضرورت به ازدواج است. به گونه‌ای که هرچه سن جوانان کمتر باشد ضرورت ازدواج را بیشتر احساس می‌کنند و درصد موافقان و کسانی که نظر بینابینی داشته تا سن ۲۹ سالگی تغییر چندانی نداشته، اما از سن ۳۰ سال به بالا درصد موافقت با ضرورت ازدواج کم شده است. **به عبارتی می‌توان گفت؛ که سن ۳۰ سال نقطه تغییر نگرشی در این بُعد می‌باشد.**

در پژوهش‌های دیگری با عنوان «بررسی جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده» [۱۴] و «پیمایش ملی خانواده» [۱۵] نیز که جامعه آماری متفاوتی دارند، تقریباً آمار مشابهی وجود دارد. لذا می‌توان گفت که ضرورت ازدواج تا سن ۳۰ سالگی از سوی حدود ۷۰-۶۰ درصد جامعه تأیید شده و در سنین پایین‌تر این ضرورت بیشتر بیان شده است. بنابراین اگر شرایط ازدواج در بازه سنی ۳۰-۲۰ سال فراهم باشد، اغلب جوانان تمایل به تشکیل خانواده از مجرای ازدواج رسمی را دارند.

#### ۳-۲. نگرش مردم در مورد سن مناسب ازدواج

نکته قابل ملاحظه در بررسی سن مناسب ازدواج این است که در پیمایش‌های مختلف سن مطلوب ازدواج مورد پرسش قرار نگرفته و سن مناسب ازدواج بررسی شده است. به عبارتی داده‌های اعلامی از سوی پاسخ‌گویان، سنی است که فرد در بیان آن آمادگی و امکان ازدواج را مورد توجه قرار می‌دهد و ممکن است از نظر یک فرد سن مطلوب ازدواج برای پسران ۲۳ سال باشد، اما سن مناسب ازدواج با توجه به شرایط اقتصادی-اجتماعی و فردی را ۲۷ اعلام کند.

#### ■ سن مناسب ازدواج پسران

نگرش افراد نسبت به سن مناسب ازدواج برای پسران و دختران متغیر دیگری است که با توجه به فرهنگ بومی ایرانیان و عدم رواج زندگی جدای جوانان از خانواده، به لحاظ ساختاری زمان مناسب استقلال، مسئولیت‌پذیری و توان تأمین اقتصادی را نشان می‌دهد. جدول زیر نشان می‌دهد بازه سنی مناسب برای ازدواج پسران تا انتهای دهه ۹۰، ۲۵-۲۱ سال و در اولویت دوم نیز ۳۰-۲۶ سال است. البته نگرش مثبت به ازدواج بالای ۳۰ سال نیز با رشد روبه‌رو بوده، که با توجه به اهمیت سن ۳۰ سال در تغییر الگوهای ازدواج این تغییر نگرشی منفی قلمداد می‌شود.

#### جدول ۱۴. نگرش نسبت به سن مناسب ازدواج برای پسران

فراوانی درصدی					گروه سنی
۱۳۹۸ [۱۵]	۱۳۹۵ [۲۶]	۱۳۹۴ [۲۵]	۱۳۸۲ [۱۸]	۱۳۷۵	
۸/۱	۷	۹/۱	۶/۸	۸/۲	۲۰-۱۵
۴۷/۷	۴۴/۶	۴۶/۴	۵۵/۳	۴۶/۹	۲۵-۲۱
۳۸/۳	۴۲/۴	۳۷/۶	۳۶/۷	۴۱/۵	۳۰-۲۶
۵/۹	۳/۶	۲/۷	۱/۱		۳۵-۳۱
	۰/۳	۰/۲	۱/۱		۴۰-۳۶

مأخذ: احصا شده از پیمایش‌های ملی انجام شده در سال‌های مذکور.

به‌رغم اینکه در پیمایش‌های مورد بررسی حجم نمونه‌ها متفاوت است و در پیمایش‌های سال‌های ۱۳۸۲، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۸ افراد بالای ۱۵ سال و در دو پیمایش سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۹۵ نمونه انتخابی به ترتیب افراد بالای ۱۶ سال و بالای ۱۷ سال بوده‌اند، اما روند طی شده در مورد نگرش به سن ازدواج دچار شکست معنادار نبوده و می‌توان بررسی طولی را ملاک تحلیل تحولات نگرشی جامعه قرار داد. نکته دیگر اینکه، بیشترین تغییر در نگرش ذهنی مربوط به ازدواج بالای ۳۰ سال بوده که از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۸ حدود ۱۶۸ درصد افزایش داشته است. **گفتنی است؛ نتایج پیمایش‌هایی که در سال‌های اخیر انجام گرفته نیز افزایش نگرش مثبت به ازدواج در سنین بالاتر برای پسران را تأیید کرده‌اند.**

در سال ۱۳۷۹ [۱۶] حدود ۹۰ درصد از پاسخ‌گویان سن مناسب برای ازدواج پسران را بیش از ۲۵ سال اعلام کرده‌اند. این در حالی است که در سال‌های ۱۳۸۲، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۸ حدود نیمی از جامعه سن مناسب ازدواج برای پسران را ۲۱-۲۵ می‌دانستند و در سال ۱۳۸۳ [۱۷] نیز مناسب‌ترین سن برای ازدواج پسران ۲۶ سال بیان شده است.

البته در بررسی دیگری [۱۳] که در سال ۱۳۹۴ انجام شده، جوانان، سن مناسب پسران برای ازدواج را ۲۷/۶ سال بیان کرده‌اند. تفاوت نتایج تحقیقات انجام شده در سال ۱۳۹۴، به تفاوت در جامعه آماری آنها برمی‌گردد؛ به گونه‌ای که در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها (موج سوم) مخاطب عام است و در پیمایش دیگر جامعه آماری جوانان هستند و جوانان سن مناسب ازدواج را کمی بالاتر بیان کرده‌اند.

#### ■ سن مناسب ازدواج دختران

در مورد سن مناسب ازدواج دختران طی سال‌های مورد بررسی حداقل ۸۵ درصد از جامعه بازه سنی ۱۶-۲۵ سال را مناسب‌ترین سن ازدواج اعلام کرده‌اند. البته روند نگرش به ازدواج در این سن کاهش یافته است، اما همچنان انتخاب اول جامعه برای ازدواج می‌باشد. از سوی دیگر، نگرش جامعه نسبت به ازدواج بالای ۲۶ سال با افزایش روبه‌رو بوده، اما در بیشترین حالت خود به حدود ۱۲ درصد رسیده است.



### جدول ۱۵. نگرش نسبت به سن مناسب ازدواج برای دختران

فراوانی درصدی					گروه سنی
۱۳۹۸	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۸۲	۱۳۷۵	
۳/۳	۲/۸ (۱۴ و ۱۵ سال)	۳/۹	۲/۳	۵۶/۴	۱۵-۹
۴۵/۵	۴۷/۳	۴۷/۱	۵۰/۸		۲۰-۱۶
۴۱/۹	۴۲/۲	۳۸/۹	۴۴/۱	۳۷/۴	۲۵-۲۱
۹/۳	۷/۴	۶/۲	۲/۷	۳/۲	۳۰-۲۶
	۰/۳	پرسیده نشده	۰/۱		۳۵-۳۱

مأخذ: همان.

در سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۴، ۱۳۸۲ و ۱۳۹۵، بخش اعظمی از جامعه معتقد بودند که دختر باید در بازه سنی ۱۶-۲۵ سال ازدواج کند، که البته بازه سنی ۱۶-۲۰ سال با اقبال بیشتری روبه‌رو بوده و در سال ۱۳۸۳ نیز مناسب‌ترین سن برای ازدواج دختران حدود ۲۱ سال بیان شده است. در پژوهشی [۱۳] که سال ۱۳۹۴ انجام شده، میانگین سن مناسب ازدواج دختران، از نظر جوانان ۲۳/۲ سال بیان شده و در سال ۱۳۷۹ [۱۶] نیز حدود ۹۴ درصد از پاسخ‌گویان سن مناسب ازدواج برای دختران را زیر ۲۵ سال اعلام کرده‌اند. به عبارتی می‌توان گفت: اگر شرایط ازدواج برای دختران مهیا باشد، انتخاب سن مناسب از سوی بخش قابل توجهی از جامعه زیر ۲۵ سال است.

بررسی جامعه آماری نگرش‌سنجی‌ها از حیث وضعیت تأهل آنان نشان می‌دهد، افراد متأهل سن پایین‌تری را برای ازدواج مناسب دانسته‌اند. البته اختلاف بین نگرش افراد متأهل و مجرد در نگرش به سن ازدواج پسران ناچیز بوده، اما در نگرش به سن ازدواج دختران اختلاف بین افراد مجرد و متأهل قابل توجه است. به عبارتی، افرادی که تجربه زندگی متأهلی را داشته‌اند سن پایین‌تری را برای ازدواج دختران مناسب اعلام کرده‌اند.

به لحاظ سنی در سال ۱۳۸۲ با افزایش سن پاسخ‌گویان، موافقت با ازدواج زیر ۲۰ سال برای دختران و پسران روند افزایشی داشته است، در حالی که در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۸ با افزایش سن پاسخ‌گویان موافقت با ازدواج زیر ۲۵ سال روند افزایشی داشته است. این تغییر نشان از افزایش نگرش مثبت به ازدواج در سنین بالاتر در جامعه دارد؛ به گونه‌ای که نه تنها جوانان بلکه افراد در سنین بالاتر نیز سن مناسب ازدواج را نسبت به سال‌های قبل بالاتر اعلام کرده‌اند.

در حالت کلی می‌توان گفت؛ روند تغییرات نگرش جامعه نسبت به سن مناسب ازدواج، به گونه‌ای بوده است که در پژوهش‌های متأخرتر، سنین بالاتر مناسب برای ازدواج بیان شده‌اند. البته در این میان متغیرهای زمینه‌ای تفاوت معناداری ایجاد می‌کنند. به گونه‌ای که افراد متأهل سنین پایین‌تر را مناسب‌تر برای ازدواج اعلام کرده‌اند. به عبارتی، افرادی که با وجود همه موانع ازدواج در سن مناسب از قبیل موانع اقتصادی و فرهنگی، ازدواج می‌کنند و تجربه زیست‌متأهلی را دارند، به‌رغم اینکه موانع مذکور همچنان در جامعه وجود دارد، سنین پایین‌تر را مناسب برای ازدواج دانسته‌اند. لذا می‌توان گفت؛ تعریف اقدامات فرهنگی در راستای تبیین پیامدهای مثبت ازدواج و برتری آن بر سختی حاصل از مسئولیت‌های نقشی جدید در تشکیل خانواده می‌تواند بر نگرش مثبت به ازدواج در سنین بالاتر اثرگذار بوده و سن مناسب ازدواج اعلام شده از سوی مردم را کاهش دهد. چراکه هرچه نگرش به سن مناسب ازدواج افزایشی باشد، میانگین سن ازدواج نیز با اختلاف چندسال بالاتر افزایش می‌یابد.

گفتنی است؛ نتایج پیمایش‌هایی که در سال‌های اخیر انجام گرفته نیز افزایش نگرش مثبت به ازدواج در سنین بالاتر برای دختران را تأیید کرده‌اند. اما گزاره غالب نگرش مثبت به ازدواج زیر ۲۵ سال دختران است.

نکته مهم در تحلیل رابطه نگرش به سن مناسب ازدواج و میانگین سن ازدواج این است که نباید به دنبال افزایش قابل توجهی در میانگین سن ازدواج بود تا مسئله بودگی آن اثبات شود. بلکه با توجه به اینکه افزایش یک الی دو سال در میانگین سن ازدواج می‌تواند منجر به تغییر الگوی رفتار افراد در ازدواج و انتخاب همسر مناسب از جمله کاهش ضرورت ازدواج و ... گردد، نزدیک شدن میانگین سن ازدواج به ۳۰ سال و نگرش مثبت جامعه به این سن نشان‌دهنده مسئله اجتماعی است.

### ۳-۳. نگرش مردم نسبت به ملاک‌های همسر مناسب (ویژگی‌های دختر و پسر خوب)

نتایج پژوهشی در سال ۱۳۷۹ [۱۶] نشان می‌دهد که سه اولویت اول مردان برای انتخاب همسر خوب، نجابت، خوش اخلاقی و اصالت خانوادگی بوده که در این بررسی خانه‌دار بودن (اشتغال بیرون از منزل نداشتن) و خوش قیافه بودن ملاک چهارم و ششم مردان در انتخاب همسر، بوده است. در سال ۱۳۸۲ [۱۸] ایمان، اخلاق و نجابت به عنوان سه اولویت اول یک دختر خوب انتخاب شده و در سال ۱۳۸۳ اخلاق خوش و مهربانی، حجاب و تقوا و خانه‌داری سه اولویت اول انتخاب همسر مناسب برای پسران هستند. در سال ۱۳۹۴ پاکدامنی، ایمان و اخلاق به عنوان سه اولویت اول انتخاب شده است. نتایج نشان می‌دهد که اولویت اول و دوم در سال ۱۳۸۲ به اولویت دوم و سوم در سال ۱۳۹۴ تبدیل شده است. در پیمایش «بررسی نگرش جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده» [۱۴] سه اولویت اول پسران برای انتخاب همسر مناسب، عفت و پاکدامنی، تفاهم و جذابیت ظاهری می‌باشد.

در مورد ملاک‌های انتخاب همسر می‌توان گفت که تقریباً تا دهه ۹۰، شاخص‌های اعلام شده در دسته‌بندی مشابهی قرار دارند. به گونه‌ای که اخلاق و ایمان یا مصادیقی از آن در بین سه گزینه اول ملاک‌های انتخاب همسر برای پسران و دختران وجود دارد. البته باید به این نکته توجه داشت که جامعه آماری که در پیمایش‌های مختلف مورد پرسش قرار گرفته‌اند؛ عموماً افراد ۱۵ سال به بالا بوده‌اند، اما در پیمایش سال ۱۳۹۷ جامعه آماری جوانان هستند و نتایج این بررسی نیز اندکی با دیگر پیمایش‌ها متفاوت است. به گونه‌ای که برای پسران، «جذابیت ظاهری و تفاهم» و برای دختران، «تفاهم و درآمد مناسب» نیز در بین سه اولویت اول قرار گرفته است. این در حالی است که در پیمایش ملی خانواده که با اختلاف یک سال در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است، «زیبایی و آراستگی» و «درآمد بالا» هر دو در اولویت سیزدهم قرار داشته‌اند. به عبارتی، می‌توان گفت بین ملاک‌های جوانان در انتخاب همسر و ملاک‌های کل جامعه اندکی تفاوت وجود دارد.

نکته دیگر اینکه از سال ۱۳۹۴، اهمیت پیدا کردن، شغل و درآمد به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی و اولیه در انتخاب همسر نشان از تغییرات نگرشی قابل توجه در جامعه است. چرا که یک ویژگی مادی در اولویت شاخص‌های انتخاب همسر قرار گرفته است. البته این تغییر رویکرد دو بستر اجتماعی قابل توجه دارد. مورد اول تغییر سبک زندگی مردم و افزایش تمایلات مادی و مورد دوم بالا رفتن چالش‌های اقتصادی در جامعه می‌باشد که نگرانی از آینده اقتصادی را افزایش داده و فرد را به سمت اولویت‌دهی به ملاک‌های اقتصادی سوق می‌دهد.

البته باید به این نکته توجه داشت که در پیمایش ملی خانواده [۱۵] نوع طرح پرسش در مورد ملاک‌های انتخاب همسر متفاوت است. به گونه‌ای که افراد درجه اهمیت هر شاخص را جدا تعیین کرده‌اند و به صورت قیاسی انتخاب انجام نشده است. در این بررسی ۱۱ شاخص بالای ۷۰ درصد، اهمیت زیاد و خیلی زیاد دارند. سه انتخاب اول زنان اعتماد، راست‌گویی و عشق می‌باشد و سه ملاک اول مردان اعتماد، راست‌گویی و عشق است. مفهوم عشق در کنار مفاهیم، تفاهم و مهربانی که در سال‌های قبل نیز مورد تأکید بوده است، در یک گفتمان قرار می‌گیرند. به عبارتی، نیاز عاطفی در دوره‌های مختلف برون داد متفاوتی داشته است. به طوری که در سال‌های اول بررسی شده با عنوان خوش اخلاقی بیان شده، بعد به مهربانی و امروزه به عشق تبدیل شده است. این مسئله نشان از تغییر رفتار جامعه در برون‌دادهای عاطفی است و عشق‌های رمانتیک و خاص اهمیت بالایی پیدا کرده‌اند.

نکته دیگر در مورد تغییرات ملاک ازدواج توجه به تغییرات جمعیتی در جامعه و ارتباط آن با ملاک‌های انتخاب همسر است. البته داده کمی



و بررسی با این رویکرد وجود ندارد. اما با توجه به اینکه افزایش سن ازدواج بر نگرش جامعه نسبت به ضرورت و سن مناسب ازدواج اثر گذار است، می‌توان گفت افزایش میانگین سن ازدواج، تغییرات جمعیتی جامعه و الگوهای همسرگزینی بر ملاک‌های انتخاب همسر نیز اثر گذار می‌باشد. به طور مشخص رشد الگوی ازدواج با فاصله سنی بالا، مؤید افزایش اهمیت دارا بودن شغل و درآمد خوب برای دختران است. لذا همچنان این نکته قابل توجه است که شناسایی وضعیت رفتاری جامعه و اتخاذ سیاست و راهبرد اجرایی مبتنی بر آن نیازمند شناخت دقیق وضعیت براساس طراحی دقیق شاخص‌های سنجش رفتار و نگرش جامعه است.

**در نتیجه می‌توان گفت؛ به رغم ابهام در شاخص‌ها و تفسیر پذیر بودن آنها که نیاز به بازنگری در شاخص‌های مورد بررسی و رصد را ضروری می‌کند، می‌توان گفت ۲ اولویت اول انتخاب پسران مؤلفه‌های انسانی، فطری و ایمانی است و این گزاره به مثابه فرصتی برای کمک به استحکام خانواده می‌باشد. در مورد دختران این رویه در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۷ اندکی متفاوت بوده به گونه‌ای که اشتغال به عنوان یک مؤلفه مادی در صدر ملاک‌ها قرار گرفته که می‌توان آن را منبعت از مشکلات اقتصادی جامعه دانست. البته در سال ۱۳۹۷ جوانان، جذابیت‌های ظاهری را در بین سه اولویت اول انتخاب همسر مناسب برای پسران بیان کرده‌اند و این نشان از افزایش رویکرد مادی آنان در ملاک‌های انتخاب همسر است. نکته دیگر در مورد هنجار همسر یابی جوانان تغییر واکنش جامعه در حوزه کارکرد عاطفی خانواده است. به گونه‌ای که از گزینه‌ای که از گزینه اخلاق خوب به مهربانی، تفاهم و عشق رسیده است. برون‌ریزی تمایل به عشق در ملاک‌های انتخاب همسر ناشی از تمایل ذهنی به وجود عشق رمانتیک در ازدواج‌هاست. باید به این نکته اشاره داشت که پررنگ شدن عشق رمانتیک بدون در نظر گرفتن ارزش‌های عقلی و پررنگ شدن جنبه‌های غریزی و مادی، مواجه زوجین را با طلاق افزایش می‌دهد [۱۹].**

نکته مهم این است که این ملاک‌ها چه درجه‌ای از اهمیت را دارند و اگر فرد تجربه‌ای از ازدواج داشته باشد باز هم با همین ملاک‌ها دست به انتخاب می‌زند؟

یک روش برای سنجش ملاک‌های انتخاب همسر آینده، بررسی ملاک‌های افراد در ازدواج اول و دوم است. به عبارتی این تلقی وجود دارد که افراد در ازدواج دوم خود به دلیل تجربه زندگی مشترک انتخاب منطقی‌تری خواهند داشت. نتایج یک بررسی نشان می‌دهد [۲۰] برای دختران ملاک‌های ظاهری، تحصیلات، روان‌شناختی، شخصیتی و اخلاقی، رضایت خانواده و علایق مشترک در ازدواج اول و دوم فرقی نمی‌کند، اما وضعیت اقتصادی و شغل، وضعیت اجتماعی و فرهنگی، مذهبی بودن، عشق و اختلاف سنی ملاک‌هایی است که در ازدواج دوم بیشتر مورد توجه بوده‌اند. در مورد پسران به طور کلی اختلاف ملاک‌ها در ازدواج اول و دوم خیلی بالا نیست و ملاک‌هایی که تقریباً ثابت بوده‌اند، ملاک‌های ظاهری و فیزیکی، تحصیلات، اقتصادی و شغل، رضایت خانواده، عشق و اختلاف سنی هستند و وضعیت اجتماعی، فرهنگی و مذهبی، ویژگی‌های روان‌شناختی، علایق مشترک ملاک‌هایی هستند که در ازدواج دوم بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. مقایسه دیگر نشان می‌دهد، سه اولویت اول دختران در ازدواج اول شان، عشق، ویژگی‌های روان‌شناختی و اخلاق و علایق مشترک و در ازدواج دوم شان ویژگی‌های روان‌شناختی و اخلاق، مسائل اقتصادی و شغل و ویژگی‌های مذهبی بوده است. برای پسران سه ملاک اول در ازدواج اول شان عشق، ظاهر و علایق مشترک و در ازدواج دوم شان علایق مشترک، عشق و ظاهر بوده است. نتایج بررسی فوق نشان می‌دهد تمایل به خاص بودگی در مردان بیشتر از زنان نهادینه شده است؛ چراکه ملاک‌های ازدواج دوم برای دختران بیشتر به سمت عقلانیت گرایش دارد. اما از آنجاکه در عرف جامعه دختران در جایگاه انتخاب شدن قرار می‌گیرند؛ ملاک پسران تعیین‌کننده در امکان‌های ازدواج خواهد بود و ملاک‌های دختران فیلتر دوم برای ازدواج است. نکته دیگر در این بررسی در اولویت قرار گرفتن مذهبی بودن در ملاک‌های ازدواج دوم دختران و پسران است. لذا لازمه تغییر وضعیت ازدواج در جامعه، تغییر ذائقه و اولویت‌های انتخاب برای پسران در درجه اول و دختران در درجه دوم بوده که رسیدن به این مهم مستلزم فرهنگ‌سازی و ذائقه‌سازی در میان جوانان می‌باشد.

### جدول ۱۶. تغییرات ملاک‌های انتخاب همسر

عنوان / سال پژوهش ملاک‌های انتخاب همسر	ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان - ۱۳۷۹	ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان - ۱۳۸۲	گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی ایرانیان - ۱۳۸۳	ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان - ۱۳۹۴	بررسی نگرش جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده - ۱۳۹۷	پیمایش ملی خانواده - ۱۳۹۸
ملاک‌های پسران برای ازدواج	۱. نجابت ۲. خوش اخلاقی ۳. اصالت خانوادگی ... ۶. خوش قیافه بودن	۱. ایمان ۲. اخلاق ۳. نجابت	۱. اخلاق خوش ۲. مهربانی ۳. حجاب و تقوا ۴. خانه‌داری	۱. پاکدامنی ۲. ایمان ۳. اخلاق	۱. عفت و پاکدامنی ۲. تفاهم ۳. جذابیت ظاهری	۱. اعتماد ۲. راستگویی ۳. عشق ... ۱۳. زیبایی و آراستگی
ملاک‌های دختران برای ازدواج	۱. نجابت ۲. خوش اخلاقی ۳. اصالت خانوادگی ۴. توانایی تأمین معاش	۱. اخلاق ۲. ایمان ۳. صداقت	۱. اخلاق و رفتار خوش ۲. ایمان ۳. رسیدگی به خانواده	۱. شغل ۲. اخلاق ۳. ایمان	۱. دارا بودن شغل و درآمد مناسب ۳. اخلاق خوب و پسندیده ۴. تفاهم	۱. راست‌گویی ۲. اعتماد ۳. عشق ... ۹. شغل مناسب ... ۱۳. درآمد بالا

مأخذ: احصا شده از سوی محقق.

### ۳-۴. جایگاه خانواده در موضوع ازدواج

موضوع مهم دیگر در مسئله ازدواج، جایگاه و نقش خانواده‌هاست که ارتباط بالایی با تغییر ساختار مدیریت در خانواده دارد. به عبارتی می‌توان گفت که خانواده در چه حوزه‌هایی امکان مداخله‌گری دارد، در چه حوزه‌هایی این امکان از آنها به انحای مختلف گرفته شده است و جانشین فرصت‌های مداخله‌گری خانواده کدام نهاد می‌باشد؟ در سال ۱۳۸۰ [۲۲]، بیش از ۷۰ درصد از جوانان ۳۰-۱۴ سال اعلام کرده‌اند که به سنن دیرین ازدواج در فرهنگ ایرانی پایبند هستند. این نتایج به نوعی می‌تواند نشانگر پذیرش نقش پررنگ خانواده در مسئله ازدواج باشد. در پژوهشی که در سال ۱۳۸۳ انجام شده است [۲۲] حدود ۷۸ درصد از پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند که خانواده آنها نسبت به موضوع انتخاب همسر حساسیت و مراقبت بالایی دارند. البته با افزایش سن میزان افرادی که اعلام کرده‌اند خانواده در انتخاب همسر مراقبت بالایی از آنها می‌کند، کاسته می‌شود.

در پژوهش سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۸۶، حدود ۵۶ درصد از پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند که در «در خانواده ما رسم است که والدین برای پسرشان همسر انتخاب کنند». البته در این گزاره موافقت یا مخالفت خود فرد با این پروسه بیان نشده است. به عبارتی، صرفاً شرحی از وضعیت موجود می‌باشد. نکته مهم در بررسی جایگاه خانواده، میزان حساسیت‌های خانواده به موضوعات مختلف است. به عبارتی با داده‌ای کلی که چند درصد جوانان در مسائل خود به خانواده رجوع می‌کنند، نمی‌توان اهمیت نقش و اثرگذاری خانواده در مسئله ازدواج را مشخص کرد. چراکه این احتمال وجود دارد که خانواده در مسائلی از قبیل مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی حساسیت بالایی داشته باشد و انتخاب همسر در رتبه پایین‌تری قرار گیرد. بنابراین استناد به داده کلی «رجوع جوانان به خانواده برای مشورت در امور زندگی» نمی‌تواند نشان‌دهنده نقش خانواده در ازدواج آنان باشد.

در پژوهشی که در سال ۱۳۹۴ انجام شده است، ۵۳/۷ درصد از نمونه مورد مطالعه در پاسخ به سؤال «اگر قرار باشد ازدواج کنید، نظر چه کسی در انتخاب همسر آینده برای شما بیشتر اهمیت دارد؟» پدر و مادر را انتخاب کرده‌اند و ۳۸/۱ درصد خود فرد، ۲/۹ درصد فامیل و ۲/۷ درصد نیز دوستان را انتخاب کرده‌اند.

اهمیت نظر خانواده در ازدواج در پیمایش ملی خانواده (۱۳۹۸) با دو سؤال «اگر دختری/پسری بخواهد با پسری/دختری ازدواج کند، اما



پدر و مادرش با ازدواج آنها کاملاً مخالف باشند و با گفتگو هم به نتیجه نرسند، به نظر شما آنها باید چه کار کنند؟» بررسی شده است. پاسخ هر دو سؤال بسیار به هم نزدیک می‌باشد و به‌طور میانگین ۷۵ درصد از افراد اعلام کرده‌اند که نباید با هم ازدواج کنند. به عبارتی، نظر خانواده در اولویت بالایی قرار داشته است. در این بررسی از افراد پرسیده شده است که «در ازدواج شما تصمیم‌گیرنده اصلی چه کسانی هستند؟». ۴۲ درصد از افراد تصمیم‌مشارکتی، ۲۴ درصد خانواده و ۳۳ درصد نیز خود را به‌عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی اعلام کرده‌اند. البته در همین پیمایش حوزه اعمال قدرت والدین از نگاه فرزندان مجرد با سؤال «چه کسی در خانواده در خصوص ازدواج فرزندان تصمیم‌گیری می‌کند؟» مورد بررسی قرار گرفته که حدود ۷۷ درصد از پاسخ‌گویان تصمیم‌گیری مشارکتی را انتخاب کرده‌اند.

مقایسه نتایج دو پیمایش اخیر نشان می‌دهد که مداخله پدر و مادر در امر ازدواج کاهش قابل توجهی داشته، محوریت خود فرد نیز با کاهش اندک ۱۳ درصدی روبه‌رو بوده، اما گزینه تصمیم‌مشارکتی رقم قابل توجهی در سال ۱۳۹۸ پیدا کرده است. تصمیم‌مشارکتی در کلیت خود پدیده مثبتی بوده و می‌توان به‌عنوان یک فرصت در حل تعارض‌های نسلی از آن استفاده کرد. البته بسیار مهم است که بافت زیرین «تصمیم‌مشارکتی» کدام واقعیت است و آیا واقعاً مشارکت در تصمیم‌اتفاق می‌افتد یا اختلاف نسلی منجر به پذیرش به اجبار نظر والدین یا فرزند می‌شود.

تغییر جایگاه خانواده محدود به مسئله ازدواج نمی‌شود و در همه حوزه‌های زندگی جوانان دیده خواهد شد؛ چراکه «نبود سیاست رفاهی واضح از سوی دولت در حمایت از جوانان باعث شده است تا خانواده مسئولیت‌هایی بیش از حد توان در مدیریت گذار به بزرگسالی را بر عهده گیرد. این در حالی است که خانواده منابع لازم برای حمایت جوانان را در اختیار ندارد و بنابراین توانایی آن را نمی‌یابد تا به‌شکل مناسبی به مدیریت وقایع خاص در زندگی ایشان مثل ازدواج بپردازد» [۲۳]. در پژوهش‌های اخیر نیز جوانان تأثیر «نبود حمایت مالی از سوی والدین» را بالا اعلام کرده‌اند.

بر این اساس، خانواده نسبت به خواسته‌های جوانان انعطاف بیشتری از خود نشان داده و با توجه به عدم امکان حمایت‌گری در بخش اقتصادی، در موضوع انتخاب همسر نیز مداخله کمتری می‌کند. این وضعیت در کنار رشد فردگرایی منجر به کاهش جایگاه خانواده در تصمیم‌گیری برای ازدواج می‌شود.

به‌گونه‌ای که تصمیمات مشارکتی رو به رشد بوده و بررسی کیفی این موضوع نشان می‌دهد که بخشی از این تصمیم‌مشارکتی در واقع تصمیم فردی است. به عبارتی، هم فرزندان به‌دلیل تفاوت‌های نسلی دیگر خانواده را در اولویت تصمیم‌گیری برای ازدواج خود قرار نمی‌دهند و هم خانواده‌ها به‌دلیل عدم توانایی در حمایت از فرزندان و همچنین تفاوت‌های نسلی مداخله کمتری در ازدواج فرزندان دارند. این مسئله خود به تغییر الگوهای ازدواج دامن می‌زند. چراکه فرهنگ جامعه از نسل قبل به نسل جدید در این موضوع منتقل نمی‌شود. البته این موضوع در برخی موارد مثبت بوده و جلوی سنت‌های تجملی و پرهزینه را گرفته است. اما باید راهکاری برای رسیدن به تناسب در این مسئله اتخاذ شود. نکته مهم دیگر رابطه سن ازدواج با این تغییر الگوی مداخله خانواده می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که افراد در سنین بالاتر تمایل بیشتر به استقلال در تصمیم‌گیری دارند. لذا شاخص «بالارفتن سن» در این موضوع نیز اثر منفی داشته است.

#### ۴. نتیجه گیری و راهبردهای پیشنهادی



از دواج به عنوان سازو کار پذیرش نهادی اجتماعی با کارکردهای تعریف شده، قابلیت الگوپذیری دارد. به عبارتی می توان رفتار مردم در این حوزه را بررسی و الگوی مشترکی از آن استخراج کرد. البته استخراج الگو در هر رفتار فرهنگی و اجتماعی در شرایطی که جامعه دوران گذار را طی می کند بسیار سخت و تحلیل ناپذیر است. باین حال، به دلیل اهمیت موضوع مورد بررسی، فهم تغییرات رفتاری و نگرشی در این حوزه از الزامات است. در این گزارش نیز سعی شد با بررسی تحولات نرخ از دواج، میانگین سن از دواج و ارتباط این دو شاخص مهم با دیگر متغیرها، از قبیل محل زندگی و قومیت و همچنین نگرش های موجود در این حوزه، نقاط بحرانی مسئله جهت مداخله قانونی در مسئله از دواج شناسایی شود. از این حیث گزاره های پژوهشی ذیل باید در فرایندهای سیاستگذاری و اصلاح رویکردهای سیاستی مورد توجه قرار گیرد:

- هرچه سن جوانان کمتر باشد ضرورت از دواج را بیشتر احساس می کنند و درصد موافقان و کسانی که نظر بینابینی داشته تا سن ۲۹ سالگی تغییر چندانی نداشته، اما از سن ۳۰ سال به بالا درصد موافقت با ضرورت از دواج کم شده است. به عبارتی می توان گفت؛ سن ۳۰ سال نقطه تغییر نگرشی در این بُعد می باشد.

- افزایش سن در از دواج نه تنها کارکردهای خانواده را تحت الشعاع قرار می دهد، بلکه احتمال زیست مجردی را نیز افزایش می دهد. بنابراین می توان گفت مسئله افزایش میانگین سن از دواج در سال های آینده مسئله کاهش نرخ از دواج را تقویت خواهد کرد.

- تأثیر از دواج های هم قومی بر کاهش میانگین سن از دواج مثبت بوده به گونه ای که از دواج هایی که زوجین متعلق به یک قوم بوده اند در سنین پایین تر رخ داده است.

- افزایش میانگین سن از دواج کنشگری خانواده در انتخاب همسر فرزندان را کاهش می دهد و به دنبال آن شکاف نسلی تشدید و فرایند انتقال فرهنگ دشوارتر خواهد شد.

- ملاک های انتخاب همسر بین جوانان و دیگر افراد جامعه اندکی متفاوت است؛ به گونه ای که شاخص های جوانان بیشتر مبتنی بر مؤلفه های مصرف گرایی می باشد.

- افراد متأهل بیش از افراد مجرد از دواج در سنین پایین را انتخاب کرده اند. به عبارتی، تصویر منفی از موانع از دواج بر پیامدهای مثبت آن که در زندگی متأهلی دریافت می شود، برتری داشته است.

- نسبت افراد بدون همسر (در اثر طلاق و فوت) به افراد هرگز از دواج نکرده رو به افزایش بوده و در سال ۱۴۰۱ به حدود ۲۲/۵ درصد رسیده است. این آمار تصویر واضح تری از افراد بدون همسر در جامعه را نشان می دهد و به عبارتی، تبیین کننده آینده ای است که در آن به طور طبیعی تعداد بازاز دواج ها افزایش پیدا خواهد کرد و همچنین راهبرد مداخله ای نیز باید از تشکیل خانواده مجدد، بعد از طلاق یا فوت همسر استقبال کند.

- مردان بیش از زنان پس از فوت یا طلاق همسر، از دواج می کنند و این رویه به افزایش خانوارهای زنان سرپرست دامن می زند. لذا به طور ویژه از دواج زنانی که همسر خود را از دست داده اند باید مورد توجه قرار گیرد.

- شاخص های رصد وضعیت رخدادهای جمعیتی، کفایت تبیین وضعیت جمعیتی جامعه را ندارد و ضرورت طراحی شاخص های ترکیبی وجود دارد.

- تشتت داده های ثبتي و آماری از سوی سازمان ثبت احوال و مرکز آمار ایران امکان روندسنجی و تحلیل تحولات جمعیتی و اتخاذ تصمیمات سیاستی و قانونی را با چالش روبه رو می کند و با توجه به ثبتي بودن رویداد از دواج، طلاق و مرگ ارائه آمار متفاوت از یک شاخص (علاوه بر پذیرش ضرورت بازبینی داده ها در زمان قانونی) محل سؤال است.

- وضعیت شهرستان ها و شهرهای کوچک با مراکز استان و کلان شهرها از جهت میانگین سن از دواج متفاوت است. لذا حمایت ها باید متناسب با آمایش سرزمین باشد.



- سن ازدواج در شرق و تا حدی مرکز کشور پایین‌تر از غرب کشور است؛ این در حالی است که رفع موانع ازدواج به‌هنگام در غرب کشور باید در اولویت قرار بگیرد.

- پلکانی کردن تسهیلات ازدواج به‌معنای این است که حدود ۵۰ درصد افراد متقاضی تسهیلات مشمول استفاده از تسهیلات پسران زیر ۲۵ سال و دختران زیر ۲۳ سال می‌باشند و این آمار در برآورد سالیانه اعتبارات مورد نیاز تسهیلات ازدواج جوانان و تعیین نرخ رشد آن تعیین‌کننده خواهد بود. علاوه بر اینکه اثرسنجی این طبقه‌بندی باید در اولویت قانونگذار قرار گیرد. براساس گزاره‌های پژوهشی ذکر شده گزاره‌های سیاستی ذیل پیشنهاد می‌شود:

- **اصلاح شاخص‌های ثبت و رصد رخدادهای جمعیتی:** این گزاره نه تنها در فهم وضعیت تشکیل خانواده بلکه در بررسی شاخص‌های مرتبط با طلاق و فرزندآوری نیز حائز اهمیت می‌باشد. لذا ضروری است نهادهای مرتبط از جمله مرکز آمار ایران نسبت به بازبینی شاخص‌ها و طراحی شاخص‌های ترکیبی اقدام کند.

- **تفاوت در تسهیلات حمایتی بین شهرستان‌ها و کلان‌شهرها:** میانگین سن ازدواج در شهرستان‌ها با اختلاف از مراکز استان و کلان‌شهرها پایین‌تر است و پلکانی بودن تسهیلات به‌معنای بهره بیشتر افراد در شهرستان‌ها از تسهیلات بیشتر می‌باشد. این در حالی است که سطح هزینه‌ها (از جمله مسکن) در کلان‌شهرها و مراکز استان‌ها بالاتر است. به عبارتی، چالش اقتصادی در کلان‌شهرها سن ازدواج را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر تسهیلات شروع زندگی دولتی نیز در سن بالاتر، کمتر است و این چرخه افزایش سن ازدواج تشدید می‌شود. لذا مناسب است بین ازدواج در سنین پایین‌تر در شهرستان‌ها و مراکز استان و کلان‌شهرها تفاوت وجود داشته باشد.

- **افزایش طرح‌های اشتغال‌زایی و تخصیص تسهیلات اشتغال براساس آمایش سرزمین:** نکته این است که ازدواج در شهرستان‌های واقع در شرق و تا حدی مرکز کشور به‌طور کلی در سنین پایین‌تری اتفاق می‌افتد و یکی از عوامل مهم عدم اشتغال پایدار در شهرستان‌های غرب کشور می‌باشد. لذا تخصیص هدایت شده و نقطه‌زن تسهیلات و طرح‌های اشتغال‌زایی باهدف کاهش سن ورود به شغل و افزایش اشتغال پایدار در راستای کاهش سن ازدواج در غرب کشور ضروری است.

- **تبلیغات و فرهنگ‌سازی و جلوگیری از تبلیغات منفی:** نکته مهم در مورد وضعیت ازدواج و دیگر رخدادهای جمعیتی، ارائه تصویرهای منفی و سیاه‌نمایی از وضعیت موجود در جامعه است؛ چراکه ارائه تصاویر غیرواقعی به ایجاد فرهنگ منفی و تشدید مسئله دامن می‌زند. به‌عنوان نمونه به‌رغم افزایش سن ازدواج در جامعه، اما فقط حدود یک‌چهارم افراد ازدواج کرده در سنین خیلی بالاتر از میانگین سن ازدواج، اقدام به ازدواج کرده‌اند و سه‌چهارم دیگر پایین‌تر و یا نزدیک به میانگین سن ازدواج، اقدام به ازدواج داشته‌اند؛ لذا نمی‌توان وضعیت را بحرانی قلمداد کرد. اما باید سیاستگذاری‌ها در جهت بهبود وضع موجود و جلوگیری از افزایش سن ازدواج باشد.

- **حمایت از بازازدواج و ارائه تسهیلات حمایتی:** با توجه به اهمیت تشکیل دوباره خانواده و آمارهای موجود از طلاق، تعیین رویکردهای سیاستی در این زمینه و تعیین میزان و چگونگی حمایت از تشکیل مجدد خانواده از ضروریات می‌باشد. چراکه از هم‌گسیختگی ازدواج تبعات فردی و اجتماعی به‌همراه دارد که پیش‌نیاز تشکیل مجدد خانواده نیازمند رفع این چالش‌هاست. لذا در نظر گرفتن حمایت از تشکیل مجدد خانواده در اصلاح **قانون تسهیل ازدواج جوانان** در اولویت قرار می‌گیرد. گفتنی است تشکیل خانواده جدید بعد از، از هم‌گسیختگی آن نیاز به در نظر گرفتن ملاحظاتی از قبیل حمایت‌های مشاوره‌ای جدی‌تر در خصوص زوجین و فرزندان آنها دارد.

البته این موضوع را باید از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داد و صرف تشکیل خانواده نمی‌توان آن را مثبت تلقی کرد. چراکه به‌رغم اینکه شکسته شدن تابوی بازازدواج به‌خصوص برای خانم‌ها امکان بازازدواج، تشکیل خانواده و رسیدن به کارکردهای مثبت خانواده را افزایش می‌دهد؛ اما این امر نباید منجر به سهولت از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها گردد. به عبارتی، امید به امکان بازازدواج راحت و بدون هزینه اجتماعی نباید زمینه‌ساز از هم‌گسیختگی خانواده‌ها شود. اما با توجه به تأکید سیاست‌های کلی خانواده بر بازازدواج زنان سرپرست خانوار و روند رو به رشد طلاق باید در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجرایی به این تغییر فرهنگی و رفتاری جامعه توجه کرد. گفتنی است در این موضوع نیز باید به تفاوت‌های فرهنگی مناطق نیز توجه داشت؛ چراکه براساس آمار به‌رغم رشد بازازدواج زنان در غالب استان‌ها در دو استان ایلام و

قزوین این موضوع روند افزایشی نداشته است.

**- تشکیل سامانه شناسنامه خانواده:** ساماندهی انواع حمایت‌ها و خدمات ارائه شده با قابلیت ثبت تحولات خانواده به منظور شفافیت در ارائه خدمات، تسهیلات و انواع حمایت‌ها و با مداخله شرایط متقاضیان در بهره‌مندی از حمایت‌ها (از قبیل شهر محل اسکان، جمعیت خانواده پدری، سن تشکیل خانواده، تعداد فرزندان، دسترسی به شغل و ...) به منظور رصد کمیّت و کیفیت انواع خدمات و تسهیلات ضروری می‌نماید.

**- در اولویت قرار دادن سیاست‌های کاهش مهاجرت داخلی و مهاجرت معکوس:** همان‌گونه که ذکر شد در میان استان‌های کشور، استان‌های با فرهنگ قومی و میزان شاخص بازتعریف ازدواج زیر میانگین کشوری نیز وجود دارد، اما با توجه به فرهنگ قومی غالب استان‌های با نرخ بازتعریف ازدواج بالا، فرضیه رابطه معنادار قومیت و نرخ ازدواج قابل طرح و پیگیری بوده که آمارهای احصا شده در دهه ۸۰ نیز مؤید این رابطه است. به‌گونه‌ای که ۹۳ درصد ازدواج‌های ثبت شده درون قومی و حدود ۴۲ درصد ازدواج‌ها نیز هم‌خویشاوندی بوده‌اند. علاوه بر آن هم‌قوم‌گزینی و خویشاوندگزینی بر کاهش میانگین سن ازدواج اثر مثبت دارد. حتی اگر روند تغییر الگوهای ازدواج به سمت کاهش این الگو باشد نیز همچنان می‌توان به‌عنوان یک الگوی قابل توجه در راهبری مسئله مورد تأکید قرار گیرد. از سوی دیگر، نشانه‌هایی از تأثیر قومیت بر میانگین سن ازدواج نیز وجود دارد. به‌گونه‌ای که در میان بلوچ‌ها و عرب‌ها سن ازدواج پایین‌تر و در قوم گیلک این شاخص برعکس است. این موضوع نشان می‌دهد که موضوع ازدواج از فرهنگ قومی اثر می‌پذیرد و برای تأثیرگذاری بر شاخص‌های آن می‌توان از ظرفیت فرهنگ‌های قومی بهره گرفت.

**- افزایش مهارت‌های انتخاب همسر مناسب:** اختلاف بین ملاک‌های جوانان و دیگر افراد جامعه و سبک مادی گرایانه جوانان در انتخاب همسر نشان از تحول در نظام فکری و فرهنگی نسل جدید دارد. لذا ضروری است با استناد به ملاک‌های تقویت‌کننده پایداری خانواده، نگرش‌های ذهنی افراد نسبت به ابعاد مختلف ازدواج از جمله ضرورت ازدواج، سن مناسب ازدواج و ملاک‌های همسر آینده اصلاح شود و تغییر ذائقه و اولویت‌های انتخاب همسر در فرایند عقلانی تنظیم گردد. رسیدن به این مهم علاوه بر اینکه مستلزم فرهنگ‌سازی و ذائقه‌سازی در میان جوانان است، نیازمند دریافت آموزش‌های لازم در این زمینه نیز می‌باشد.



## منابع و مآخذ



- [۱] ساروخانی، باقر، «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده»، نشر سروش، ۱۳۷۰.
- [۲] سالنامه آماری ۱۳۹۸، «مرکز آمار ایران»، ۱۳۹۹.
- [۳] سالنامه آمارهای جمعیتی ۱۳۹۷، «سازمان ثبت احوال کشور»، ۱۳۹۸.
- [۴] بررسی الگوی سنی ازدواج بر اساس داده‌های سرشماری و ثبتی طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵، «مرکز آمار ایران»، ۱۳۹۸.
- [۵] رحیمی، علی و همکاران، «تحلیل گذار مجرد زنان و مردان در ایران طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰»، ۱۳۹۵.
- [۶] ترابی، فاطمه و مسگرزاده، سجاد، «جامعه‌مخاطره‌آمیز و میانگین سن زنان و مردان در نخستین ازدواج در ایران»، زن در توسعه و سیاست، ۱۳۹۵.
- [۷] چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار زمستان ۱۴۰۲، «دفتر جمعیت، نیروی کار و اقتصاد خانوار، مرکز آمار ایران»، ۱۴۰۲.
- [۸] سالنامه آماری ازدواج و طلاق ایرانیان، سازمان ثبت و احوال ایران، «سازمان ثبت و احوال ایران»، ۱۳۹۹.
- [۹] عباسی شوازی، جلال و صادقی، رسول، «قومیت و الگوهای ازدواج در ایران»، پژوهش زنان، ۱۳۸۴.
- [۱۰] پیمایش ملی ازدواج و طلاق، دفتر دوم، ازدواج و قومیت، «سازمان ثبت احوال کشور»، ۱۳۹۸.
- [۱۱] گزارش وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران، «مرکز آمار ایران»، ۱۴۰۲.
- [۱۲] رحمانی پور، ریحانه، کاویان، پدram، «مسائل اولویت دار حوزه زنان و خانواده در برنامه هفتم توسعه و پیشنهادهای سیاستی»، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۸۷۱۸، ۱۴۰۱.
- [۱۳] آقاسی، محمد و فلاح مین‌باشی، فاطمه، «نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده»، ویژه‌نامه پژوهش‌نامه زنان، ۱۳۹۴.
- [۱۴] بررسی نگرش جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده، «مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران»، ۱۳۹۷.
- [۱۵] پیمایش ملی خانواده، «جهاد دانشگاهی واحد استان البرز»، ۱۳۹۸.
- [۱۶] محسنی تبریزی، منوچهر، «بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران»، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور، ۱۳۷۹.
- [۱۷] ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان ایران، «سازمان ملی جوانان»، ۱۳۸۳.
- [۱۸] ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم)، «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، ۱۳۸۲.
- [۱۹] طالبی، ابوتراب، ویسی، سیمین، «رابطه عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت»، فصلنامه شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۱۳۹۱.
- [۲۰] بهشتیان، محمد، «بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های ازدواج (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ظاهری و دموگرافیک) زوج‌های در شرف ازدواج دوم با ملاک‌های آنها در ازدواج اول»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۱۳۹۵.
- [۲۱] پیمایش ملی وضعیت و نگرش جوانان ایران، «سازمان ملی جوانان»، ۱۳۸۰.
- [۲۲] ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان ایران، «سازمان ملی جوانان»، ۱۳۸۳.
- [۲۳] فسایی، سهیلا، بنی‌جمالی، سید محسن، «جوانان، خانواده و مدیریت ازدواج»، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۳۹۸.
- [۲۴] کوششی، مجید، خلیلی، مهدی، «پیش‌بینی عمومیت ازدواج زنان ایران»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۳۹۹.
- [۲۵] ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم)، «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، ۱۳۹۴.
- [۲۶] وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی ایران، «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، ۱۳۹۵.



#### گزیده سیاستی

بررسی وضعیت الگوهای همسرگزینی نشان از محوریت سن ازدواج در تحولات این الگوهاست. به گونه‌ای که افزایش سن ازدواج منجر به کاهش ضرورت ازدواج، تغییر در ملاک‌های انتخاب همسر، کاهش مداخله خانواده در انتخاب همسر و در نهایت ضعف پیوندهای خانوادگی، تغییر الگوی تقاطع سنی ازدواج به سمت ازدواج با اختلاف سنی بالا شده است و هم‌قوم‌گزینی، خویشاوندگزینی تأثیر مثبت بر کاهش سن ازدواج داشته‌اند. لذا ضروری است؛ نظام حمایتی و ساماندهی ازدواج جوانان با توجه به گزاهای فوق مورد بازبینی قرار گیرد.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir